

# احکا اذان واقامه از دیدگاه مذاهب اربعه

آزاد بن فائق الكردي

## مقدمه ی شیخ محمد بن طاهر برزنجی

بسم الله و الحمد لله و الصلاه و السلام علی رسول الله  
کتابچه‌ی گرانقدر برادرزاده‌ی خویم، جناب شیخ آزاد پیجویی کوردی را خواندم،  
دیدم در جمع دلایل مرتبط با احکام اذان و مسایل مرتبط با این باب گوی سبقت را از  
معاصران ربوده و در گردآوری روایات متعلق به احکام تفصیلی و ذکر پژوهشهای  
علمی فقهای گذشته در این باره زحمات طاقت فرسایی را متحمل شده و این تلاشها  
چون زیوری گرانبها زبینه‌ی اوست.

تا جایی که اطلاع دارم برادر بزرگوارم شیخ مروان کوردی پیش از من این  
کتاب را خوانده و با مولف محترم پاره‌ای از مسایل آن را به بحث و بررسی گذاشته-  
است و کار مولف محترم مانند هر کار بشری دیگر نیازمند ارزیابی و نقد علما و اهل  
فن است و سپاس الله عزوجل را که به توصیه‌های خوانندگان و ناقدان و رهنمودهایشان  
عمل کرده‌است. از الله عزوجل خواستارم به شیخ آزاد در هر آنچه مورد پسند و  
رضایت اوست توفیق عطا فرماید و بر دانش و تلاشهایش بیافزاید.

## مقدمه‌ی استاد مروان کوردی

سپاس و ستایش مخصوص پروردگار عالمیان که انسان را از عدم به وجود آورد  
و برنامه‌ی زندگی ایشان را تعیین فرمود و چیزی را از یاد نبرد، تمام احوال و اوضاع  
برنامه‌ی زندگی، معاملات و ... را برای ما بیان فرمودند و درود و سلام بر فرستاده‌ی  
خدا محمد(ص) آن پیامبر محبوب که تمام سختی و دشواری‌های زندگی را به جان  
خرید تا پیام خدا را بدون کم و کاست به جهانیان برساند و همچنین رضایت و رحمت  
خداوند همانند باران بر سر اصحاب و یاران پیامبر باد تا روز قیامت.

همانا هویدا است که انسان گاهی اوقات قدرت نعمت‌هایی را که خداوند به او بخشیده درک نمی‌کند و یا نمی‌داند تا اینکه آن را از دست بدهد و این نعمت‌هایی که خداوند به بشر ارزانی داشته بسیار فراوانند و تمام جوانب زندگی ما را فراگرفته است، به طوری که بخشی از این نعمت‌ها را هرگز به خاطر نیاورده‌ایم و یا به ذهنمان خطور نکرده است و این نعمت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

**اول:** نعمت‌های مادی است که باعث سرحالی جسم و بقای حیات است.

**دوم:** نعمت‌های معنوی است که مایه‌ی آرامش و تعادل روانی در برابر تمام مشکلات و سختی‌های زندگی است.

آنچه در این کتاب مختصر و مفید بحث شده است، یکی از این نعمت‌های معنوی است که روزانه 5 مرحله یا 5 نوبت تکرار می‌شود و تمام شهر و روستا را فرا می‌گیرد و دل‌هایمان را صیقل می‌دهد و ما را فرا می‌خواند به یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اعمال که نماز است و به ما می‌گوید که بشتابید برای شکوه و جلال و بشتابید برای رستگاری و آن نعمت معنوی اذان است. بله اذان.

اذانی که نزد اکثر ما به چیزی عادی تبدیل شده است، همانند سایر صداهایی که به گوش می‌رسد آن را می‌شنویم ولی هیچ تأثیری بر روی روح ما نمی‌گذارد. اذان غذای روح است و تنها کسی قدر آن را می‌داند که در کشوری زندگی کرده باشد که در آنجا اذانی را اقامه نکرده‌اند و آن صدای زلال را نشنیده باشند، بله فقط آن شخص می‌داند که چه سخت و دشوار است که از شنیدن صدای اذان محروم باشی.

پس به خاطر این‌که اذان مثل خودش بماند و تأثیرگذاری خود را بر جایی بگذارد باید کسانی به این امر اهتمام ورزند که اصل آن را بدانند و شایستگی آن را داشته باشند تا این تکلیف را بر دوش آن‌ها گذاشت و این امر نیز به سرانجام نمی‌رسد مگر این‌که آن افراد قوانین و آداب و شروط آن را بدانند.

برای این منظور نیز برادر عزیزمان (استاد آزاد پینجویی کوردی) سعی در تألیف این کتاب کرده است و در این کتاب مباحث مربوط به اذان را تحلیل کرده است و در این کتاب به شیوه‌ای علمی اقوال علمای قدیم و جدید را آورده است و دلایل آن‌ها پیش روی ما گذاشته است.

از خداوند می‌خواهم اجر دنیا و قیامت را نصیب ایشان فرماید و تلاش ایشان ضایع نگردد و این کار را از ایشان بپذیرد و آن را توشه‌ی قیامت ایشان گرداند.

مروان عزیز کوردی

ترکیه / استانبول

5 رجب 1440 هجری قمری

2019/3/12 میلادی



## مقدمه‌ی استاد نورالدین ملا عبدالله ورازی

سپاس و ستایش مخصوص پروردگاری است که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد، راهنمای راه رستگاری و کرامت و سرفرازی در هر دو جهان، نازل‌کننده‌ی شفاء و هدایت و رحمت که قرآن است و می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۳۳» (فصلت/ 33) و درود و سلام بی‌پایان بر روح پیامبر پیشوا و استاد و سرورمان، خاتم‌الانبیاء محمدمصطفی که فرستاده شد تا پروردگار را به بندگان بشناساند و راه رستگاری را به بشر نشان دهد، پیامبر تمام جهانیان که می‌فرماید: **من دل علی خیر فله مثل اجر فاعله** (اخرجه مسلم)

سپس

برادر عزیز و محترم (استاد آزاد بینجویی کوردی) از بنده‌ی حقیر تقاضا کردند که نظری بیافکنم بر تحقیق ایشان که در مورد اذان و اقامه انجام داده‌اند، این موضوع مهم که چندان بدان اهمیت داده نشده و با این وجود اذان دعوتی است برای یکی از مهمترین ارکان دین که نماز است. به این خاطر است که در میان کسانی که اذان و اقامه می‌گویند اشتباهات زیادی در تطبیق احکام آن وجود دارد. دیدم که برادر عزیزمان به شیوه‌ای مختصر و مفید موضوع اذان و اقامه را مورد بحث و بررسی قرار داده‌است و آنچه که لازم بوده را مطرح کرده است، به امید اینکه این کار مبارک آغازی برای باز کردن راه تحلیل بیشتر در مورد این رکن مهم دین اسلام در مساجد باشد.

خداوند پاداش خیر نصیب برادرمان گرداند و آن را ذخیره‌ی قیامت قرار دهد و او را برای کارهای بزرگتر یاری دهد.

نورالدین ملاعبدالله ورازی

سلیمانیه

6 شوال 1440 هجری قمری

2019/6/9 میلادی

### مقدمه‌ی مؤلف

سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که صاحب تمام مخلوقات است. پادشاه تمام پادشاهان است، سپاس را خدایی که اذان را یکی از نمادهای اسلام قرار داده است تا کسانی که این امر را انجام می‌دهند بدان افتخار کنند و این امر نیز یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد امت اسلام نسبت به سایر ادیان است و درود و سلام بر آخرین پیامبر خدا و تمام پیامبران دیگر الهی باشد.

پس از پرس‌وجو با تعدادی از اساتید دینی و آگاه در زمینه‌ی اذان و اقامه تصمیم گرفتم که این بحث را که قبلاً تحت عنوان (احکام الاذان و الاقامه) نوشته بودم با کمی تغییر که در دانشگاه سلیمانیه انجام داده‌بودم کتابی تحت عنوان (حوکمه‌کافی بانگ و

قامت) به زبان شیرین (کردی) و همچنین زبان (عربی) به رشته‌ی تحریر درآورم. زیرا پاداشی بس بزرگ در انتظار مؤذنان است. زیرا یکی از ویژگی‌های اذان و اقامه این است که دل‌ها را صیقل می‌دهد و ظلمات گناه را محو می‌گرداند و مردم جواب اذان را خواهند داد و آن را اجابت می‌کنند و نمازهایشان را ادا می‌کنند و مستمع با شنیدن اذان آرامش دارد و از این مهم‌تر شاید اذان نقشی مؤثر در انجام وظایف مردم داشته باشد همان‌طور که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۳۳» (فصلت/ 33)

تعدادی از علما گفته‌اند که: کلمه‌ی (دَعَا) در این آیه منظور پیامبر است و عده‌ای نیز گفته‌اند که منظور مؤذنان است، همان‌طور که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: ((الْمُؤَدِّتُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ))<sup>(1)</sup>، معنی: ((گردن مؤذنان در روز قیامت از تمام مردم بلندتر است (منظور این است که سرفرازترند)).

پس بنابراین یکی از بهترین امور در میان مردم اذان گفتن می‌باشد. از خداوند می‌خواهم که این نوشته را فقط بخاطر خودش قبول فرماید و نیت ما را خالص گرداند تا بتوانیم خدمتی هر چند ناچیز به دین اسلام کرده باشیم. خداوند به تمام اساتیدم و تمام همراهانم و همچنین همسر مهربانم پاداش خیر عطا بفرماید که مشوق و پشتیبان من در این امر بوده‌اند.

آنچه در این کتاب آمده‌است اگر راست و صدق باشد از جانب خداوند است و اگر کذب و اشتباه باشد از جانب خودم و شیطان است و انسان نیز بری از گناه و اشتباه نمی‌باشد.

التماس دعای خیر

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمْ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

1- أخرجه مسلم: (387).

آزاد فائق كوردي

سلیمانی - آزادی

شب جمعه

11 جمادی الاول 1440 هجری قمری

2019/1/17 میلادی

شویڻ ئیسلام کهوه خوا وای پی خوشه

بی گومان لای خوا کهسی سهنگینی

با دهنگت خوش بی ئیسلام دایناوه

وه بو قامهتیک سیی ترت ههیه

ئهی ئهو براییه که دهنگت خوشه

له پوژی دوایی مل بهرزترینی

کاتیک بانگ بده بانگت تهواوه

بو هر بانگدانئ شهست چاکهت ههیه

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### إِجَازَةٌ فِي الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ، وَمَنْ تَبِعَهُمْ  
بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

أَمَّا بَعْدُ:

فإن الله سبحانه وتعالى قد خصَّ هذه الأمةَ بخصائص عدَّةٍ ومنها الأذان ومنها الإقامة وقد أفرد الفقهاء له أبواباً وأقساماً في مصنفاتهم ومن نعمة الله علينا أن نرويهِ بالأسانيد المتصلة إلى منتهاه، وبعد أن طلب منِّي الأخ الفاضل: (آزاد فائق توفيق الكردي) الإجازة بالأذان والإقامة أقول وبالله التوفيق إنِّي قد أجزتُه بالرواية عني وأخبره بأنِّي أروي أحاديث الأذان عن الشيخ (رعد محسن حاوي السامرائي) حفظه الله، وهو عن المحدث الشيخ (صبحي السامرائي) رحمه الله تعالى عن أبي الصاعقة عن نعمان خير الدين أفندي الألوسي ابن المفسر أبي ثناء عن أبي ثناء محمود بن عبدالله الألوسي صاحب التفسير (روح المعاني) عن علي بن محمد سعيد السويدي عن أبيه رواية العراق أبي عبدالله محمد سعيد السويدي عن ابن عقيلة المكي (وقد ورد بغداد) عن عبدالله بن سالم البصري عن الملا إبراهيم بن حسن الكوراني (صاحب الأمام لإيقاظ الهمم) عن صفية الدين أحمد المدني عن الرملي عن زكريا الأنصاري عن ابن حجر عن أبي محمد عبدالله بن محمد بن محمد بن سليمان النيسابوري الأصل، المكي عن إمام المقام رضي الدين أبي محمد إبراهيم بن محمد بن أبي بكر الطبري عن أبي القاسم عبد الرحمن بن أبي حرمي عن أبي الحسن علي بن حميد بن عمار الطرابلسي أنبأنا أبو مكتوم عيسى بن الحافظ أبي ذر عبد بن محمد الهروي أنبأنا أبي قال أنبأنا العلامة أبو اسحاق إبراهيم بن أحمد المستعلي قال أنبأنا الفريزي أبو عبدالله محمد بن يوسف بن مطر أنبأنا (البخاري أبو عبدالله محمد إسماعيل بن إبراهيم) قراءة عليه وأنا أسمع قال حدثنا محمود بن غيلان قال حدثنا عبد الرزاق قال أخبرنا ابن جريج قال أخبرني نافع أن ابن عمر كان يقول كان المسلمون حين قدموا المدينة يجتمعون فيفتحون الصلاة ليس ينادى لها فتكلم يوم في ذلك فقال بعضهم اتخذوا ناقوساً مثل ناقوس النصارى وقال بعضهم بل بوقاً مثل قرن اليهود فقال عمر: أولاً تبعثون رجلاً ينادي بالصلاة فقال رسول الله ﷺ: { يَا بِلَالُ فَمَنْ نَادَى بِالصَّلَاةِ }، وأخبره بأنِّي أروي حديث الأذان في مسند الإمام أحمد بنفس الإسناد إلى (الحافظ ابن حجر عن الحافظ العراقي وأبي الحسن الهيثمي) قالوا: أخبرنا (محمد بن إسماعيل بن إبراهيم) الأنصاري الدمشقي ابن الحجاز وأبي الحسن علي بن أحمد بن إبراهيم العرضي بالقاهرة قال الأول أخبرنا مسلم بن علان وقال الثاني قرئ على زينب بنت مكي وأنا أسمع وأجازنا الفخر بن البخاري إن لم يكن سمعاً قالوا أنبأنا حنبل بن عبدالله المكثر أخبرنا أبو القاسم عبدالله بن محمد بن الحصين قال أخبرنا أبو علي الحسن بن علي التميمي الواعظ أخبرنا أبو بكر أحمد بن جعفر القطيبي حدثنا عبدالله بن الإمام أحمد قال حدثنا أبي قال حدثنا يونس حدثنا فليح عن زيد بن أبي أنيسة عن عمرو بن مرة عن عبد الرحمن بن أبي ليلى عن معاذ بن جبل قال أحيلت الصلاة ثلاثة أحوال وأحيل الصيام ثلاثة أحوال فأما أحوال الصلاة فإن النبي ﷺ قدم المدينة وهو يصلي سبعة عشر شهراً إلى بيت المقدس ثم إن الله أنزل عليه: ﴿ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴾ [البقرة: 144] قال فوجهه الله إلى مكة قال: فهذا



حول. قال: وكانوا يجتمعون للصلاة ويؤذن بما بعضهم بعضاً حتى نقسوا أو كادوا ينقسون. قال ثم أن رجلاً من الأنصار يقال له عبدالله بن زيد أتى رسول الله ﷺ فقال: يا رسول الله اني رأيت فيما يرى النائم ولو قلت إني لم أكن نائماً لصدقت، إذ رأيتُ شخصاً عليه ثوبان أخضران فاستقبل القبلة فقال: {الله أكبرُ اللهُ أكبرُ}، {أشهدُ أن لا إلهَ إلا اللهُ} {مثنى مثنى} حتى فرغ من الأذان ثم أمهل ساعة قال: ثم قال مثل الذي قال غير أنه يزيد في ذلك قد قامت الصلاة فقال رسول الله ﷺ: {عَلِمَهَا بِإِلَهِ فَلْيُؤذِنْ بِهَا}، فكان بلالٌ أولَ مَنْ أَدَّنَ بِهَا. (15جملة).

وأخبره أبي أروي حديث الأذان لأبي محذورة في صحيح الإمام مسلم بنفس الإسناد الى الحافظ ابن حجر قال أخبرنا أبو عبد الله محمد بن ياسين الجزولي المقرئ إجازة مكاتبة قال أنبأنا الشريف موسى بن علي بن أبي طالب العلوي الموسوي قراءة عليه وأنا حاضر إجازةً منه قال أنبأنا العلامة تقي الدين أبو عمرو عثمان ابن صلاح الشافعي والحافظ الحسن بن محمد بن محمد البكري سماعاً عليهم لجمعهم قالوا أنبأنا المؤيد ابن محمد الطوسي قال أنبأنا فقيه الحرم أبو عبد الله محمد ابن الفضل الصاعقي الفراوي قال أنبأنا أبو الحسين عبد الغافر ابن محمد الفارسي قال أخبرنا أبو أحمد محمد ابن عيسى الجلودي قال أخبرنا أبو إسحاق إبراهيم بن محمد ابن سفيان قال أخبرنا الإمام مسلم بن الحجاج القشيري رحمه الله قال حدثني أبو غسان المسمعي مالك ابن عبد الواحد وإسحاق ابن إبراهيم قال أبو غسان حدثنا معاذ وقال إسحاق أخبرنا معاذ ابن هشام صاحب الدستواني وحدثني أبي عن عامر الحول عن مكحول عن عبدالله محيريز عن أبي محذورة أن نبي الله ﷺ علمه هذا الأذان: {الله أكبر اللهُ أكبر، أشهد أن لا إله إلا اللهُ، أشهد أن لا إله إلا اللهُ، أشهد أن محمداً رسول اللهُ، أشهد أن محمداً رسول اللهُ}، ثم يعود فيقول: {أشهد أن لا إله إلا اللهُ، أشهد أن لا إله إلا اللهُ، أشهد أن محمداً رسول اللهُ، أشهد أن محمداً رسول اللهُ، حي على الصلاة - مرتين - حي على الفلاح - مرتين}، زاد إسحاق {الله أكبر اللهُ أكبر، لا إله إلا اللهُ} (17جملة)(1)

وأوصي المجاز أعلاه ونفسي أولاً بتقوى الله وطاعته ولزوم أوامره واجتناب نواهيه واتباع سنة رسوله واجتناب البدع.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خاتم أنبيائه وعلى آله وصحبه أجمعين.

حررها في مدينة حلبجة الجديدة حماها الله:

سيروان حامد الشهرزوري توطنا البغدادي تولدا

28/ ربيع الثاني 1440هـ

الموافق ل (2019/1/5) م.

## بخش اول

1- وروى هذا الحديث الإمام النسائي في سننه الكبرى بنفس الإسناد المتقدم في صحيح مسلم، ولكن بتفصيل أكثر وبيان حال الترجيع وهو ضمن الإجازة. عن أبي محذورة قال: علمني رسول الله ﷺ الأذان فقال: {الله أكبر اللهُ أكبر، الله أكبر اللهُ أكبر، أشهد أن لا إله إلا اللهُ، أشهد أن لا إله إلا اللهُ، أشهد أن محمداً رسول اللهُ، أشهد أن محمداً رسول اللهُ}، ثم يعود فيقول: {أشهد أن لا إله إلا اللهُ، أشهد أن لا إله إلا اللهُ، أشهد أن محمداً رسول اللهُ، أشهد أن محمداً رسول اللهُ، حي على الصلاة حي على الصلاة، حي على الفلاح، حي على الفلاح، الله أكبر اللهُ أكبر، لا إله إلا اللهُ} (19جملة).

تعریف اذان و احکام آن  
این بخش شامل شش موضوع است:

موضوع اول: تعریف اذان در لغت و شرع

موضوع دوم: جواز اذان گفتن در اسلام و فضل و جایگاه آن

موضوع سوم: حکم اذان برای جماعت و فرد

موضوع چهارم: حکم اذان و اقامه با ضبطصوت

موضوع پنجم: شروط اذان

موضوع ششم: حرف زدن در هنگام اذان گفتن.

## موضوع اول

### تعریف اذان:

اذان در لغت به معنای دانستن و آشکار کردن و مصدر آن این چنین آمده است (التاذین مصدر أذن - يُؤذِنُ - أذناً و مُؤذاً) و گفته می‌شود (أَذْنْتُ بهذا الأمر) به این کار اجازه دادم. یعنی: فهمیدم، دانستم، یا گفته می‌شود، آذنی فلان، فلانی به من گفت، یعنی مرا باخبر کرد.<sup>1</sup>

همان‌طور که خداوند فرموده است: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ ۚ» (حج/ 27).

همچنین الاذان، الاذین و التاذین، همه‌ی آنها به معنای ندا دادن برای برپایی نماز است.<sup>2</sup>

تعریف اذان از دیدگاه شرع: ذکر مخصوص است که دین اسلام آن را برای آگاه کردن و ندا دادن به مردم برای اوقات نماز تعیین فرموده است<sup>3</sup> و علما چندین تعریف دیگر را برای اذان قرار داده‌اند. برای مثال:

- ندا دادن برای نماز با چند جمله‌ی معنادار.<sup>4</sup>
- عبادتی است به طوری که مردم را برای اوقات نماز ندا می‌دهد با چند جمله‌ای مشخص.<sup>5</sup>

پس اذان گفتن عبادت است همان‌طور که نماز، زکات، روزه و حج عبادتند.

## موضوع دوم

### جواز اذان گفتن در نماز و جایگاه و ارزش آن

در (قرآن و سنت و اجماع علما)، اتفاق نظر وجود دارد که اذان گفتن جایز است زیرا عملی صالح است و پاداشی بزرگ دارد.

### دلیل اول در قرآن:

<sup>1</sup> مقایس اللغة: ص 33.

<sup>2</sup> القاموس المحيط: ج 1، ص 1185.

<sup>3</sup> الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي: ج 1، ص 114.

<sup>4</sup> موسوعة الفقه الإسلامي والقضايا المعاصرة: ج 1، ص 592.

<sup>5</sup> صحيح فقه السنة وأدلته وتوضيح مذاهب الأئمة: ج 1، ص 270.

خداوند در قرآن فرموده: «وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَعِيبًا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ۝۵۸» (مائده/ 58).

### دلیل دوم در سنت:

احادیث زیادی در این زمینه وجود دارد همان‌طور که در صحیحین آمده است که پیامبر فرمودند: ((إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤْذِنْ لَكُمْ أَحَدُكُمْ وَلْيُؤَمِّمَكُمُ أَكْبَرُكُمْ<sup>(1)</sup>))<sup>(2)</sup>، یعنی: ((اگر زمان نماز فرارسید یکی از شما اذان بگوید و بزرگترین شما از نظر سن و سال امامت کند)). همچنین حدیث خواب عبدالله پسر زید دلیلی است بر شرعی بودن اذان گفتن و چگونگی آن بحث شده است، هنگامی که در خواب اذان گفتن را به او آموزش دادند و به همان شیوه عمرین خطاب در خواب اذان گفتن را آموخت همان‌طور که در بخاری و مسلم آمده است. هنگامی که مسلمانان به مدینه هجرت کردند در اوقات نماز کسی اذان نمی‌گفت، روزی که بحث پیش آمد عده‌ای گفتند زنگی مانند زنگ مسیحیان قرار دهیم، عده‌ای دیگر گفتند ناقوسی همانند ناقوس یهودیان قرار دهیم، امام عمر هم فرمود چرا کسی را نفرستیم که اذان بگوید، پیامبر نیز فرمود: ((يَا بِلَالُ لِمَ فَنَادِ بِالصَّلَاةِ))<sup>(3)</sup>. یعنی: ((بلال بلند شو و مردم را برای نماز آگاه کن)). و هنگامی که این خواب‌ها را برای پیامبر تعریف کردند ایشان فرمودند: ((إِنَّهَا لَرُؤْيَا حَقٌّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَمِمَّ مَعَ بِلَالٍ فَأَلْقَى عَلَيْهِ مَا رَأَيْتَ، فَإِنَّهُ أُنْدَى صَوْتًا مِنْكَ))<sup>(4)</sup>. یعنی: (براستی این خوابی صدق است که از جانب پروردگار می‌باشد، برو و آنچه که در خواب آموخته‌ای به بلال بیاموز زیرا صدایش از صدای تو رساتر و خوش‌نوا تر است).

1- وفي حديث آخر قال رسول الله ﷺ: ((يَوْمَ الْقَوْمِ أَقْرُوهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ، وَأَقْدَمُهُمْ قِرَاءَةً، فَإِنْ كَانَتْ قِرَاءَتُهُمْ سَوَاءً، فَلْيُؤَمِّمُهُمْ أَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً، فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً، فَلْيُؤَمِّمُهُمْ أَكْبَرُهُمْ سِنًا)). أخرجه مسلم: (673).

2- أخرجه البخاري: (628)، (1533)، والنسائي: (631)، (635).

3- أخرجه البخاري: (603)، ومسلم: (835).

4- أخرجه أبو داود: (420)، (499)، حسنه شعيب الأرنؤوط، وصححه الألباني في صحيح أبي داود: (512).

همچنین در اذان گفتن پاداشی بی‌نظیر نهفته است به دلیل فرمایش پیامبر که فرمودند: ((لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ<sup>(1)</sup>، وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ<sup>(2)</sup>، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا<sup>(3)</sup> عَلَيْهِ، لَأَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهَجِيرِ لَأَسْتَبَقُوا إِلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ لَأَتَوْهَا، وَلَوْ حَبَوًّا<sup>(4)</sup>)). یعنی: ((اگر مردم می‌دانستند که در اذان گفتن و صف اول جماعت چه چیزی قرار دارد و در رسیدن به آن دچار دردرس می‌شدند، آن گاه برای بدست آوردنش قرعه می‌انداختند)).

همچنین فرموده است: ((لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنَّ وَلَا إِنْسٌ وَلَا شَيْءٌ، إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ<sup>(5)</sup>)). یعنی: ((هیچ یک از انس و جن وجود ندارد که صدای مؤذن را بشنود و روز قیامت برای او شهادت ندهد)).

در حدیثی دیگر پیامبر فرموده است: ((الْمُؤَذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ<sup>(6)</sup>)). یعنی: ((مؤذنان در روز قیامت دارای گردنهای بلندی هستند (منظور این است که سرافرازترین مردمانند)).

همچنین ابوهریره از پیامبر نقل فرموده است که: ((الإِمَامُ ضَامِنٌ وَالْمُؤَذِّنُ مُؤْتَمَنٌ اللَّهُمَّ أَرْشِدِ الْأُمَّةَ وَاعْفِرْ لِلْمُؤَذِّنِينَ<sup>(7)</sup>)). یعنی: ((امام ضامن و مؤذن امانت‌دار است. خداوندا امامان را هدایت و مؤذنان را مورد رحمت خود قرار بده)).  
الضَّمان: یعنی کفیل، نگهدارنده و آگاهی بخش.  
المؤمن: دست پاکی و صداقت در حفظ اوقات نماز.

1- والنداء: هو الأذان.

2- والصف الأول: يراد به المبادرة إلى الجماعة.

3- والاستهام: الاقتراع.

4- متفق عليه: البخاري: (653)، (615)، ومسلم (980).

5- أخرجه البخاري: (3073)، (3296).

6- أخرجه مسلم: (389)، (859).

7- أخرجه الترمذي: (191)، (207)، وأبو داود: (517)، وصححه الألباني في إرواء الغليل: (217).

امام شافعی در قول راجح و حنابله اذان و اقامه را از امامت مهمتر می‌دانند به دلیل این آیه که فرموده است: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۳۳» (فصلت/ 33)

همچنین حنفی‌ها گفته‌اند که امامت و اقامه از اذان گفتن افضل است، به این خاطر که پیامبر و خلفای راشدین امامت را برعهده گرفتند ولی اذان گفتن را برعهده نگرفته‌اند.

## موضوع سوم

### احکام اذان

علما 2 رأی مختلف در مورد اذان و اقامه دارند:

1- اذان گفتن (فرض کفایی است) در شهر و روستاها و اگر در مسجدی اذان گفته شود و در مسجدی دیگر در همان نزدیکی اذان گفته نشود ولی نماز به جماعت خوانده شود، نماز صحیح است و مشکلی ندارد و این قول حنابله، محمدبن حسن شیبانی از حنفی‌ها و قولی از مالکیه است و همچنین گفته‌ی عده‌ای از شافعی‌ها و ابن عبدالله، ابن تیمیه و داوود ظاهری و ابی‌ولید الباجیه، و از علمای معاصر شیخ بن‌باز، بن عثمان و شیخ البانی این قول را ترجیح داده‌اند.

• وپیامبر فرموده است: ((إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤَدِّنْ لَكُمْ أَحَدُكُمْ وَلْيُؤَمِّمَكُمْ أَكْبَرُكُمْ))<sup>(1)</sup>، یعنی

: ((اگر وقت نماز فرا رسید یکی از شماها اذان بگوید و بزرگترین شما از لحاظ سن و سال امامت کند)).

اگر در روستایی، شخصی اذان گفت دیگر تکلیف از بقیه ساقط می‌شود.

2- شافعی‌ها و مالکی‌ها می‌گویند که اذان و اقامه (سنت موکده است).

1- أخرجه البخاري: (628)، (1533)، والنسائي (631)، (635).

همچنین امام شرنبلالی فرموده است: <sup>1</sup>اذان و اقامه سنت موکده است برای نمازهای فرض برای کسی که تنها نماز می‌خواند یا آن را اعاده می‌کند، یا کسی که در سفر باشد یا آن را برای مردان انجام دهد ولی برای زنان مکروه است.

### حکم اذان نسبت به جماعت

علما در این زمینه 3 رأی دارند:

امام شافعی و امام احمد گفته‌اند: اذان و اقامه گفته شود.

امام اوزاعی و امام مالک گفته‌اند: اقامه گفته شود اما اذان نه.

امام ابوحنیفه و یارانش گفته‌اند: به اذان و اقامه نیازی نیست.

سیدسالم گفته است: " هرکس نماز می‌خواند در شهر یا روستا پس اذان بگوید و اگر با اذان مسجدی دیگر نماز خواند نمازش صحیح است ولی اگر اذان گفت و اقامه کرد و سپس نماز را ادا کرد پس کار شایسته‌ای انجام داده است زیرا برای اذان گفتن پاداشی بزرگ است همان‌طور که در احادیث ابوسعید و عقبه بن عامر در آن رابطه بحث کردیم، همچنین اگر کسی به نماز جماعت نرسید و با اذانی که آنان گفته‌اند نماز بخواند پس نمازش صحیح است ولی بهتر است خود اذان بگوید و اقامه کند سپس نمازش را به جا بیاورد، همان‌طور که از انس بن مالک روایت شده است که: ((فَعَرَّ

عُثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَتَانَا أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ فِي مَسْجِدِ بَنِي ثَعْلَبَةَ، فَقَالَ: قَدْ صَلَّيْتُمْ؟ وَذَلِكَ صَلَاةُ الْعَدَاةِ-

فَقُلْنَا: نَعَمْ، فَقَالَ لِرَجُلٍ: أَدِنُّ، فَأَدَّنَ وَأَقَامَ ثُمَّ صَلَّى فِي جَمَاعَةٍ))<sup>(2)</sup> <sup>(3)</sup>، امام عثمان نقل کرده‌است

که انس بن مالک به نزد ما آمد و ما در مسجد بنی‌ثعلبه بودیم و پرسید آیا نماز خوانده‌اید و نماز ظهر بود، گفتیم بله، و او به شخصی گفت که اذان بگوید و شخص اذان گفت و اقامه گفت سپس برای آن‌ها نماز جماعت را امامت کرد."

### موضوع چهارم

<sup>1</sup> نور الإيضاح ونجاة الأرواح في الفقه الحنفي: ج 1، ص 47.  
<sup>2</sup> - متفق عليه: البخاري: (590)، (623)، ومسلم: (1836)، (1094).  
<sup>3</sup> - صحيح فقه السنة وأدلته وتوضيح مذاهب الأئمة: ج 1، ص 275.

## حکم اذان و اقامه با ضبطصوت

اذان و اقامه یکی از بزرگترین عبادات زبانی است و باید کسانی آن را انجام دهند که اهلیت آن را داشته باشند یعنی باید کسی باشد که صدایی روان و رسا داشته باشد و همچنین امین باشد.

### در رابطه با اذان و اقامه با ضبطصوت علمای معاصر چند رأی دارند:

اکثر آن‌ها معتقدند که نباید برای اذان و اقامه از ضبطصوت استفاده کنند، زیرا اذان و اقامه مستلزم نیت است و نیت با ضبطصوت مستجاب نمی‌شود و همچنین آن پاداش که برای مؤذنان هست از دست می‌رود و از علمای کردستان عراق نیز شیخ نوری فارس بر این رأی است.

و این فتوای اجماع علمای جهانی در مورد استفاده از ضبطصوت می‌باشد: "الْحَمْدُ

لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ.

أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ مَجْلِسَ الْمَجْمَعِ الْفِقْهِيِّ الْإِسْلَامِيِّ بِرَابِطَةِ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ الْمُنْعَقَدَ بِدَوْرَتِهِ التَّاسِعَةِ فِي مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ مِنْ يَوْمِ السَّبْتِ 12 \ 7 \ 1406 هـ إِلَى يَوْمِ السَّبْتِ 19 \ 7 \ 1406 هـ.... وَبَعْدَ اسْتِعْرَاضِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ بُحُوثٍ وَفَتَاوِي، وَالْمُدَاوَلَةِ فِي ذَلِكَ.. وَبِنَاءٍ عَلَى مَا تَقَدَّمَ فَإِنَّ مَجْلِسَ الْمَجْمَعِ الْفِقْهِيِّ الْإِسْلَامِيِّ يُقَرِّرُ مَا يَلِي: أَنَّ الْإِكْتِفَاءَ بِإِدَاعَةِ الْأَذَانِ فِي الْمَسَاجِدِ عِنْدَ دُخُولِ وَقْتِ الصَّلَاةِ بِوَاسِطَةِ آلَةٍ تَسْجِيلٍ وَنَحْوِهَا لَا يُجْزِئُ وَلَا يُجُوزُ فِي أَدَاءِ هَذِهِ الْعِبَادَةِ، وَلَا يُحْصَلُ بِهِ الْأَذَانُ الْمَشْرُوعُ، وَأَنَّهُ يَجِبُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ مُبَاشَرَةَ الْأَذَانِ لِكُلِّ وَقْتٍ مِنْ أَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ فِي كُلِّ مَسْجِدٍ عَلَى مَا تَوَارَثَهُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ عَهْدِ نَبِيِّنا وَرَسُولِنَا مُحَمَّدٍ إِلَى الْآنَ. وَاللَّهُ الْمُؤَقِّقُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِي" (1).

اما عده‌ای دیگر از علما می‌گویند مشکلی در بکار بردن ضبطصوت برای اذان و اقامه در برخی اوقات نیست و آن زمانی است که مؤذن امین و خوش‌صدا یافت نشود.

1- أحكام الأذان والنداء والإقامة لسامي فراج الحازمي: ص 176-177.



## موضوع پنجم

### شروط مؤذن یا اذان گفتن

علما شروط زیادی برای صحت اذان قرار داده‌اند و اختلافشان فقط در تعداد شروط است.

ما نیز در این‌جا به 7 شرط اشاره خواهیم کرد.

- 1- مؤذن باید مسلمان، عاقل و مرد باشد.
- 2- باید کلمات اذان به ترتیب حدیث در هنگام گفتن بیان شود. زیرا مرتب نکردن باعث به هم زدن اذان می‌شود و ناقص می‌شود و همانند شوخی و مسخره به کلمات اذان درمی‌آید.
- 3- لازم است کلمات پشت سر هم گفته شود و توقف زیادی مابین کلمات ایجاد نشود.<sup>1</sup>
- 4- باید با صدای بلند اذان گفت و اگر برای خودش اذان گفت بهتر است با صدای بلند گفته شود ولی اگر در مسجدی که نماز جماعت در آن‌جا خوانده شده است باید با

---

<sup>1</sup> فقه العبادات علی المذهب الحنفی: ج 1، ص 74.

صدای آرام اذان بگوید تا حاضران در آنجا به اشتباه نیفتند که وقت نمازی دیگر است.<sup>1</sup>

و پیامبر به ابوسعید خدری فرمود: ((إِنِّي أَرَاكَ تُحِبُّ الْغَنَمَ وَالْبَادِيَةَ، فَإِذَا كُنْتَ فِي غَنَمِكَ أَوْ بَادِيَتِكَ فَأَذَّنْتَ بِالصَّلَاةِ، فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالنِّدَاءِ، فَإِنَّهُ لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِبُّ وَلَا إِنْسٌ وَلَا شَيْءٌ إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ))<sup>(2)</sup>، ((می بینم که تو حیوانات و روستایت را دوست داری و هر وقت نزد گوسفندان بودی یا در صحرا به سر بردی، هنگامی که اذان می گویی پس صدایت را بلند کن زیرا صدای مؤذن هرچه قدر بلندتر باشد و افراد زیادی آن را بشنوند در روز قیامت برای اذان گفتن تو شهادت خواهند داد)).

5- باید زمان اذان فرا رسیده باشد آن هنگام اذان گفته شود. زیرا پیامبر فرموده است: ((إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤَذِّنْ لَكُمْ أَحَدُكُمْ))<sup>(3)</sup>، یعنی: ((اگر زمان نماز فرا رسید یکی از شما اذان بگوید)).

و نماز خوانده نمی شود تا وقت آن فرا رسد، زیرا اذان وسیله ای آگاهی دادن برای اوقات نماز است و نماز قبل از اذان به اجماع علما جایز و صحیح نیست، تنها در نماز صبح جایز است که چند دقیقه قبل از تمام شدن شب اذانی گفته شود تا مردم را از وقت نماز آگاه کند.

**خطیب شربینی در معنی گفته است:**<sup>4</sup> "شرط کافی در اذان این است که وقت آن را بدانی به جز کسی که یکبار برای خود یا جماعتی اذان گفته و شرط نیست که وقت آن را بداند و اگر وقت آن را فهمید اذان او صحیح است به دلیل صحت اذان گفتن نابینا".

6- شرط ششم آن است که جماعتی اذان و اقامه را بشنوند و اگر تنها خودش بود باید خودش صدای خود را بشنوند.<sup>5</sup>

7- اذان باید به زبان عربی گفته شود<sup>1</sup> و جایز نیست که با زبانی دیگر برای جماعتی اذان بگوید و عده ای از شافعی ها گفته اند اگر تنها خودش بود مشکلی نیست که

<sup>1</sup> الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي: ج1، ص116.

<sup>2</sup> - أخرجه البخاري: (3073)، (3296).

<sup>3</sup> - أخرجه البخاري: (628)، (1533)، والنسائي: (631)، (635).

<sup>4</sup> مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج: ج1، ص323.

<sup>5</sup> موسوعة الفقه الإسلامي والقضايا المعاصرة: ج1، ص599.

با زبان خودش اذان بگوید تا اینکه زبان عربی را یاد بگیرد ولی در نزد حنفی‌ها و حنابله صحیح نیست زیرا آن‌ها می‌گویند اذان نیز مانند قرآن با زبان عربی وارد شده است<sup>2</sup> و این رأی پسندیده‌تر و صحیح‌تر است و قول شافعی‌ها ضعیف است و بر این قول عمل نمی‌شود زیرا دلیلی ندارند.

## موضوع ششم

### حرف زدن هنگام اذان گفتن

علما در این مسأله اختلاف نظر دارند که آیا هنگام اذان گفتن جایز است حرف بزنی یا خیر؟<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup> واته: زمانی قورنان.

<sup>2</sup> ابن عابدین: (256\1), كشاف الفناع: (215\1), المجموع: (129\3).

<sup>3</sup> الأوسط: (43\3), و مسائل أحمد لأبي داود: (27), والام: (85\1), المدونة: (59\1).

اول: عدهای گفته‌اند حرف زدن (صحیح است):<sup>1</sup> اگر حرف مؤذن شرعی باشد مانند جواب سلام و عطسه، و این قول امام احمد، ابن زبیر، حسن، عطا و ابن حزم است زیرا ثابت شده است که سلیمان بن صرده که صحابی بوده است: ((أَنَّكَ كَانَ يُؤَدِّنُ لِلْعَسْكَرِ، فَكَانَ يَأْمُرُ غُلَامَهُ فِي أَذَانِهِ بِالْحَاجَةِ))<sup>(2)</sup>، یعنی: ((هنگامی اذان گفته‌است در میانه‌ی اذان به زیردستانش فرمان داده است یعنی با آن‌ها حرف زده است)).

همچنین امام ابوداود گفته است: به امام احمد گفتم: آیا در هنگام اذان گفتن جایز است حرفی بزنی؟ فرمودند بله. پرسیدم در هنگام اقامه چطور؟ فرمودند خیر.

دوم: عدهای دیگر گفته‌اند (مکروه است):<sup>3</sup> یعنی در هنگام اذان گفتن حرف زدن کراهت دارد و این فرموده‌ی ابوحنیفه، شافعی، مالک، ثوری و حنفی است.

رای اول راجح است مادامی که حرف زدن شرعی باشد و زیاد طول نکشد یعنی فاصله‌ی حرف زدن و اذان گفتن زیاد طول نکشد.

## بخش دوم

چگونگی اذان گفتن و سنت‌های آن

7 موضوع را شامل می‌شود:

موضوع اول: چگونگی اذان گفتن و بیان کردن آن

موضوع دوم: سنت‌های اذان (مستحبات)

موضوع سوم: معنای کلمات اذان

موضوع چهارم: گفتن (الصلاة خيرٌ من النوم) در اذان

<sup>1</sup> المغني: ج 1، ص 424.

<sup>2</sup> - أخرجه البيهقي: (1\398)، وابن حزم في المحلى: (3\192).

<sup>3</sup> المغني: ج 1، ص 424.

موضوع پنجم: گفتن (حی علی خیر العمل) در اذان

موضوع ششم: کارهایی که بعد از اذان انجام دادن آنها مستحب است

موضوع هفتم: صلوات فرستادن بر پیامبر بعد از اذان

## موضوع اول

### چگونگی اذان گفتن و بیان کردن آن (1)

اذان به چند شیوه بر ما نازل شده است و پسندیده‌ترین حالت آن بدین‌گونه است: 2  
گفتن الله اکبر 4 مرتبه در ابتدا، سپس آنچه بعد از (الله اکبر) می‌آید به صورت تکرار به جز (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) که یکبار تکرار می‌شود. تعداد کلمات اذان (15 کلمه) است،<sup>3</sup> و بخاطر حدیث عبدالله پسر زید که بدین شیوه است: 4

اللَّهُ أَكْبَرُ 1 اللَّهُ أَكْبَرُ 2

اللَّهُ أَكْبَرُ 3 اللَّهُ أَكْبَرُ 4

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ 5.....أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ 6

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ 7.....أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ 8

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ 9..... حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ 10

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ 11..... حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ 12

اللَّهُ أَكْبَرُ 13 اللَّهُ أَكْبَرُ 14

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ 15<sup>(5)</sup>.

## موضوع دوم

1- بانگ به (سی) شیواز دابه‌زیوه، پیشتر له‌سره‌وه باسی نه و شیوازه‌مان کرد که رای پاجی زانایانی له‌سره، ئیسته‌ش باسی شیوازه‌کانی تر ده‌کین که زانایان پا جیایان هه‌یه له‌سره‌ی:

أ- شیوازی دووه‌م: جوار جار وتنی (اللَّهُ أَكْبَرُ) له‌سره‌تاوه، له‌گه‌ل گه‌رانه‌وه بو هه‌ردوو وتنی (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وه أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ)، واته: بانگیژ دوو جار نه‌م دوو وتیه ده‌ئێ به‌ده‌نگی نزم، پاشان به‌ده‌نگی به‌رز ده‌یانلئیتته‌وه، له‌ئه‌بو محذوره وه ﷺ هاتوووه که پیغه‌مبه‌ر ﷺ فیری بانگی کردوووه که (نۆزده) وشه بووه. أخرجه أحمد (15381)، أبو داود (500)، (503)، الترمذی (192)، وحسنه الألبانی من المعاصرين في النمر المستطاب: ص 120.

ب- شیوازی سییه‌م: وتنی (اللَّهُ أَكْبَرُ) دوو جار له‌سره‌تاوه، له‌گه‌ل گه‌رانه‌وه بو هه‌ردوو وتنی (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وه أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ)، واته: بانگیژ به‌ده‌نگی نزم دوو جار نه‌م دوو وتیه ده‌ئێ، پاشان به‌ده‌نگی به‌رز ده‌یانلئیتته‌وه و، ژماره‌ی وشه‌کانی (حه‌قه‌ده) وشه‌یه، له‌ئه‌بو محذوره وه ﷺ هاتوووه له‌ریوايه‌تیکی تر دا که پیغه‌مبه‌ر ﷺ فیری بانگی کردوووه، أخرجه مسلم: (379)، (577)، وغیره.

<sup>2</sup> فقه السنة: ج 1، ص 112.

<sup>3</sup> اللباب في شرح الكتاب: ج 1، ص 59، وما بعدها.

<sup>4</sup> وهو حدیث أذان الملك النازل من السماء، رواه أبو داود في سننه (نصب الراية: 259|1).

<sup>5</sup> - أخرجه البخاري: (603)، ومسلم: (835)، والدارمي: (701)، (709).

## مستحبات اذان

- 1- مستحب است که مؤذن دارای صوتی خوش و صدایی بلند و رسا باشد و صدایش را هنگام اذان گفتن بلند کرده و در جای بلند بایستد، بخاطر حدیث پیامبر هنگامی که عبدالله پسر زید خبر خوابش را به ایشان عرض کردند، ایشان فرمودند: ((أَلْفَهُ عَلَى بِلَالٍ، فَإِنَّهُ أَدَى مِنْكَ صَوْتًا))<sup>(1)</sup>، یعنی: ((به نزد بلال برو و او را از کلمات اذان آگاه کن زیرا او صدایش بلندتر و خوش‌صداتر است)). یعنی صدایش به نقاط دور نیز می‌رسد و این بدین خاطر است تا افراد بیشتری صدایش را بشنوند و بر دل‌هایشان تأثیر بگذارد و به سوی نماز بشتابند. هر چند در این عصر و زمان لازم نیست تا مؤذن صدایش بلند باشد چون میکروفون وجود دارد و صدا را به نقاط دور دست می‌رساند.
- امام دارمی و ابن خزیمه نقل کرده‌اند که: ((أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَمَرَ نَحْوًا مِنْ عَشْرِينَ رَجُلًا فَأَذَّنُوا، فَأَعَجَبَهُ صَوْتُ أَبِي مُحَمَّدٍ، فَعَلَّمَهُ الْأَذَانَ))<sup>(2)</sup><sup>(3)</sup>، یعنی: ((پیامبر به 20 نفر فرمان دادند که اذان بگویند و آنان اذان گفتند و سپس ابومحذوره را به عنوان مؤذن شهر مکه انتخاب کردند)).
- پس صدای رسا و خوش‌صدایی برای اذان گفتن مهم است، یعنی اگر کسی اذانش صحیح و خوش‌صداتر باشد بر دیگران اولویت دارد و اگر او حاضر نبود کسی که کلمات اذان را دقیق و درست بیان می‌کند در اولویت است و اگر او نیز حضور نداشت کسی که صدای بهتری دارد در اولویت است تا اذان بدهد و کمکم خود را آماده کند.
- 2- اگر مؤذن اذان گفت و وضویش باطل شد اذانش نزد تمام علما صحیح است و همچنین اگر جُنُب شد اذانش صحیح است زیرا دلیلی بر منع انسان جُنُب برای اذان گفتن نداریم همچنین انسان جُنُب به معنای نجس نیست هر چند امام احمد و اسحاق او را از اذان گفتن منع کرده‌اند<sup>4</sup> و اگر مؤذن وضو داشته باشد بسیار بهتر است.
- 3- مستحب است اذان آرام و شمرده شمرده گفته شود<sup>5</sup> و اقامه سریع و بدون

## وقفه 6

1- صحیح: أخرجه البيهقي: (1708)، (1 | 399)، والبدر المنير في تخریج الأحادیث والأثار الواقعة في الشرح الكبير: (3 | 392).

2- صحیح: أخرجه الدارمي: (1172)، (1196)، والبدر المنير في تخریج الأحادیث والأثار الواقعة في الشرح الكبير: (3 | 393).

3- موسوعة الفقه الإسلامي والقضايا المعاصرة: ج 1، ص 603.

4 الأوسط في السنن والاجماع والاختلاف: ج 3، ص 28.

5 واته: ننوان و فاسئله بخاته ننوان وشمکانی بانگهکه، به لام لهقامتهکهدا بیجگه وشمکانی قامتهکه هیچی تر نهوتریت.

6 فقه العبادات علی المذهب الحنفي: ج 1، ص 74.

4- مستحب است که مؤذن هنگام اذان گفتن انگشتانش را درون گوشش قرار دهد زیرا در روایتی از ابو جحیفه آمده است که: ((رَأَيْتُ بِلَالًا يُؤَدِّنُ، وَيَدُورُ، وَيُتْبِعُ فَاهُ هَهُنَا وَهَهُنَا، وَإِصْبَعَاهُ فِي أُذُنَيْهِ))<sup>(1)</sup>، یعنی: ((بلال را در هنگام اذان گفتن دیدم که به راست و چپ می‌چرخید و انگشت شهادتین را در گوش‌هایش قرار داده بود)). منظور از چرخیدن به راست و چپ، هنگام (حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ) گفتن به طرف راست و (حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ) گفتن به طرف چپ است.

علما فرموده‌اند در این کار 2 سود وجود دارد:<sup>2</sup>

الف) شاید با این کار صدایش بلندتر شود.

ب) کسانی که از دور می‌بینند می‌فهمند که او مؤذن است.<sup>3</sup>

5- چرخاندن سر به طرف راست در هنگام (حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ) در هر دو بار گفتن

و همچنین چرخاندن سر به طرف چپ هنگام گفتن (حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ) در هر دو بار

تکرار بخاطر حدیث ابو جحیفه که قبلاً ذکر شد.<sup>4</sup>

به همین خاطر مستحب است که مؤذن سرش را به طرفین بچرخاند و بدنش روبه قبله باشد و جمهور علما این نظر را دارند به جز امام مالک که آن را قبول ندارد. و امام احمد و اسحاق شخص مؤذن را موظف می‌دانند که حتی سرش را به طرفین بچرخاند تا اگر بر روی بلندی قرار دارد مردم صدایش را بشنوند.<sup>5</sup>

6- مستحب است که شخص مؤذن ایستاده و روی بلندی یا دیواری ایستاده و اذان

بگوید تا بیشترین افراد صدای او را بشنوند.

ابن منذر فرموده است: تمام کسانی که در خدمتشان شاگردی کرده‌ام به این نظر

بوده‌اند که مؤذن باید ایستاده اذان بگوید.<sup>6</sup>

1- حسن صحیح: أخرجه الترمذی: (181)، (197)، التحفة: (11807)، ونصب الراية: (1 | 277)، وفي صحیح مسلم برواية أخرى برقم: (504)، (728).

<sup>2</sup> دهمریت سودی تریشی هبیت چونکه بانگ (أحسن القول)ه، وه بلاوکردنوهی حقه، بویه لهگمباندنی حقه گوی ناگیریت بو ووتهی دهوروبهر، والله أعلم.

<sup>3</sup> تمام المنة في فقه الكتاب وصحيح السنة: ج1، ص188.

<sup>4</sup> فقه السنة وأدلته وتوضيح مذاهب الأئمة: ج1، ص285.

<sup>5</sup> الأوسط في السنن والإجماع والاختلاف: ج3، ص26-27.

<sup>6</sup> موسوعة الفقه الإسلامي والقضايا المعاصرة: ج1، ص604.



همچنین در حدیثی که قتاده روایت می‌کند آمده است که پیامبر به بلال فرمود: ((قُمْ فَأَذِّنْ))<sup>(1)</sup>، یعنی: ((بلند شو)) و اذان بگو با فعل امر آمده است و تمام مؤذنان پیامبر ایستاده اذان گفته‌اند.

ولی اگر عذری مانند بیماری داشت می‌تواند نشسته اذان بگوید و همچنین مستحب است که ایستاده قامت را بگویند.

7- مؤذن نباید اذان را طولانی بکند و مانند نشید شود زیرا این کار باعث می‌شود بر مردم مشتبه شود که این اذان است یا نشید و این کاری ناپسند است.<sup>2</sup>

8- مستحب است که دو مؤذن وجود داشته باشند<sup>3</sup> که یکی از آن‌ها اذان قبل از صبح را بگوید و دیگری اذان صبح. و دلیلان حدیث پیامبر است که فرمودند: ((إِنَّ بِالْأَمْرِ يُؤَدَّنُ بِلَيْلٍ، فَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى تَسْمَعُوا أَذَانَ ابْنِ أُمِّ مَكْتُومٍ))<sup>(4)</sup>، یعنی: ((بدون شک بلال در شب اذان می‌گوید پس بخورید و بیاشامید تا صدای اذان ابن‌ام‌مکتوم را بشنوید)). منظور این است که بلال اذان قبل از صبح و ابن‌ام‌مکتوم اذان صبح را می‌گویند.

9- مستحب است که مؤذن در شب بارانی و سرمای سخت هنگامی که امام می‌خواهد نمازها را جمع کند، برای کسانی که در منزل هستند بعد از گفتن (حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ) بگوید: ((أَلَا صَلُّوا فِي الرَّحَالِ))<sup>(5)</sup>، یعنی: ((نمازهایتان را در جای خود ادا کنید)) یا بگوید: ((صَلُّوا فِي بُيُوتِكُمْ))<sup>(6)</sup>، یعنی: ((نمازهایتان را در منزل ادا کنید)).

10- مستحب است شخصی خاص با شرایط مؤذن، اذان گفتن را بر عهده بگیرد.<sup>7</sup>

11- مستحب است که کسی که اذان یا اقامه را می‌شنود همان چیزی را که مؤذن می‌گوید او نیز تکرار کند مگر در هنگامی که مؤذن می‌گوید: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ

1- أخرجه البخاري: (563)، (595).

2 الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي: ج1، ص118.

3 الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي: ج1، ص118.

4- متفق عليه: البخاري: (585)، (617)، و مسلم: (1834)، (1093).

5- متفق عليه: البخاري: (599)، (632)، و مسلم (700)، (1132).

6- متفق عليه: البخاري: (855)، (901)، و مسلم (1303)، (780).

7 الموسوعة الفقهية: ج1، ص86.

مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا<sup>(1)</sup>، و هنگامی که مؤذن می‌گوید: (حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ) او بگوید: (لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ)<sup>(2)</sup>، و هنگامی که مؤذن می‌گوید: (الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ) او بگوید: (الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ)، و هنگامی که مؤذن در هنگام قامت گفتن بگوید: (قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ) او بگوید: (قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ)، قال ﷺ: - ((إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ))<sup>(3)</sup>.

## موضوع سوم

### معانی کلمات اذان

معنای کلمات اذان بدین شکل است:4

- واژه‌ی (الله‌اکبر) یعنی: (خداوند از هر چیزی بزرگتر است) یا (خداوند خیلی بزرگتر از آن است که شریکی برای او قرار داد که شایسته‌ی این بزرگی نیست) یا به معنای: (خیلی بزرگ نیز می‌آید).
- واژه‌ی (أَشْهَدُ) یعنی: (شهادت می‌دهم و می‌دانم).
- واژه‌ی (حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ) یعنی: (به سوی نماز بیاید یا با عجله بیاید).
- واژه‌ی (فَلَاحِ) یعنی: (پیروزی و ماندن و سرافرازی زیرا نمازگزار به اذن خداوند وارد بهشت می‌شود و بهشت نیز پیروزی و سرافرازی است و تا ابد در آن می‌مانند و ندا دادن برای سرافرازی یعنی بشتابید برای پیروزی و ماندن ابدی).
- همچنین کلمات اذان با (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) تمام می‌شود یعنی: (هیچ معبودی لایق پرستیدن نیست مگر الله، تا با اسم خدا پایان یابد و آخرین کلمه پرستیدن خدای احد باشد، همچنان که اسم خداوند شروع اذان بود همان‌طور نیز پایان اذان باید باشد)<sup>5</sup>.

1- أخرجه مسلم: (290\1).

2- أخرجه البخاري: (152\1)، و مسلم: (288\1).

3- أخرجه البخاري: (614)، والبيهقي: (48)، (49).

4 موسوعة الفقه الإسلامي والقضايا المعاصرة: ج1، ص602.

5 كشاف القناع عن متن الإقناع: ج1، ص273.

واژه‌ی (الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ) در اذان صبح یعنی: (نماز از خواب بهتر است).

واژه‌ی (قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ) یعنی: (الآن وقت نماز فرا رسیده یا وقت نماز خواندن

است).

## موضوع چهارم

واژه‌ی الصلاة خیر من النوم در اذان

علماء در مورد گفتن (الصلاة خیر من النوم) در اذان آرای متفاوتی دارند، همان‌طور که ابن رشد گفته است<sup>1</sup> آیا (الصلاة خیر من النوم) در نماز صبح گفته می‌شود یا خیر؟

- جمهور علماء اتفاق نظر دارند که در اذان صبح گفته می‌شود.
  - بعضی دیگر گفته‌اند در اذان صبح نمی‌گویند چون جزء جملات اذان نیست، از جمله‌ی علماء امام شافعی است.
- و دلیل اختلافشان نیز این است که آیا در زمان پیامبر این جمله را گفته‌اند یا در زمان امام عمر؟

امام شوکانی نیز می‌فرماید:<sup>2</sup> جمله‌ی (الصلاة خیر من النوم) با توجه به حدیث ابو محذوره ثابت شده است: ((عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْأَذَانَ وَقَالَ: إِذَا كُنْتَ فِي أَذَانِ الصُّبْحِ فَقُلْتَ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ فَقُلْ الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ))<sup>(3)</sup>، یعنی: ((ابو محذوره گفته است پیامبر اذان را به من آموخت و فرمودند در اذان صبح بعد از (حی علی الفلاح) بگو (الصلاة خیر من النوم)).

علمای معاصر درباره‌ی (الصلاة خیر من النوم) به بحث پرداخته‌اند که آیا در اذان اول گفته می‌شود یا اذان

دوم؟

<sup>1</sup> بداية المجتهد ونهاية المقتصد: ج 1، ص 114.

<sup>2</sup> نيل الأوطار للشوکانی: ج 2، ص 45-46.

<sup>3</sup> - البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير: (3 | 365).

شیخ آلبانی می‌فرماید: <sup>1</sup> (الصلاة خیر من النوم) برای اذان اول صبح است که قبل از وقت آمدن اصلی خود به اندازه‌ی (15) دقیقه گفته می‌شود و دلیلش فرموده‌ی ابن عمر است که فرمود: یعنی: ((كَانَ الْأَذَانُ بَعْدَ حَيِّ عَلَى الْفَلَاحِ الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ مَرَّتَيْنِ))<sup>(2)</sup>، ((الصلاة خیر من النوم در اذان صبح اول بعد از (حَيِّ عَلَى الْفَلَاحِ) دو مرتبه تکرار شده است)).

و شیخ ابن باز فرموده است: <sup>3</sup> (الصلاة خیر من النوم) در هر دو اذان جایز است ولی در اذان دوم گفتنش اولویت دارد. همچنین ابن عثیمین می‌فرماید: <sup>4</sup> گفتن (الصلاة خیر من النوم) دو مرتبه بعد از (حَيِّ عَلَى الصَّلَاةِ وَ حَيِّ عَلَى الْفَلَاحِ) گفته می‌شود.

همچنین (الصلاة خیر من النوم) به (التثویب) نام برده شده است یعنی پاداش دریافت کردن از (ثاب - یثوب) گرفته شده است، زیرا مؤذن پاداش دریافت می‌کند بواسطه‌ی دعوت مردم برای نماز.

همچنین واژه‌های فی اذان الصبح، اذان (مضاف) است و الصبح (مضاف‌الیه) است.

در باب اضافه‌الشیء الی سببه آمده است. یعنی اذانی که دلیلش آمدن صبح است. و همچنین درست است که در باب اضافه‌الشیء الی نوعه بیاید. یعنی اذان در صبح.

اذان صبح آن است که بعد از بیرون آمدن روشنایی باشد. و به (تثویب) نام‌گذاری شده است زیرا اکثر مردم در آن وقت در خواب شیرین هستند.

مردم در این عصر و زمان به این اشتباه افتاده‌اند که (الصلاة خیر من النوم) در اذان گفته می‌شود، و اشتباه آن‌ها در این است که در برخی از الفاظ احادیث دیگر آمده است که: ((وَإِذَا أَدَّنتَ بِالْأَوَّلِ مِنَ الصُّبْحِ فَقُلْ: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ))<sup>(5)</sup>، یعنی: ((اگر اذان اول

<sup>1</sup> تمام المنة في التعليق على فقه السنة: ج1، ص146.

<sup>2</sup> - التلخیص الحبر ط العلمية: (1 | 502).

<sup>3</sup> فتاوی نور علی الدرب: ج6، ص311.

<sup>4</sup> الشرح الممتع علی زاد المستقنع: ج2، ص61.

<sup>5</sup> - أخرجه أحمد: (15376)، وقال شعيب الأرنؤوط: حديث صحيح بطريقه.

را دادی بگو (الصلاة خير من النوم)، نماز خواندن از خواب بهتر است))، بدین ترتیب چنان پی برده‌اند که التثویب در اذان آخر شب است به همین خاطر آن را اذان اول قلمداد کرده‌اند و گفته‌اند الصلاة خیر من النوم در اذان دوم بدعت است.

به همین خاطر می‌گویند وقتی پیامبر فرمود: ((إِذَا أَدَّنتَ الْأَوَّلَ لِصَلَاةِ الصُّبْحِ))، یعنی: ((اگر اذان اول را برای نماز صبح دادی))، فرموده برای نماز صبح، پس معلوم است اذان آخر شب برای نماز صبح نیست، بلکه برای این است: ((لِيُوقِظَ النَّائِمَ وَيَرْجِعَ الْقَائِمَ))<sup>(1)</sup>، یعنی: ((که خوابیده را بیدار کند و آن‌که بیدار است به سوی مسجد فرا بخواند)).

ولی نماز صبح اذان ندارد مگر هنگام اول صبح اذان گفته شود، به دلیل حدیث پیامبر که فرموده: ((إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلْيُؤَدِّنْ لَكُمْ أَحَدُكُمْ))<sup>(2)</sup>، یعنی: ((اگر وقت نماز فرا رسید یکی از اختلاف بر روی واژه‌ی (اذا اذنت الاول) می‌باشد.

به همین خاطر گفته‌اند<sup>3</sup> که این مشکلی ندارد زیرا اذان و اقامه در لغت، معنای رساندن و آشکار کردن است، باید اذان برای نماز صبح بعد از آمدن صبح باشد تا به آن بگویند اذان اول و این قضیه به صورت واضح و آشکار در صحیح مسلم آمده است که ام المؤمنین عایشه در نماز تهجد پیامبر در شب فرمود: ((كَانَ يَنَامُ أَوَّلَ اللَّيْلِ وَيُحْيِي آخِرَهُ، ثُمَّ إِنْ كَانَ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى أَهْلِهِ فَضَى حَاجَتَهُ، ثُمَّ يَنَامُ، فَإِذَا كَانَ عِنْدَ النَّدَاءِ الْأَوَّلِ))<sup>(4)</sup>، یعنی:

((در ابتدای شب می‌خوابید و در انتهای شب بیدار می‌شدند و اگر کاری بود انجام می‌دادند سپس دوباره می‌خوابید و هنگامی که اذان اول را می‌گفتند بیدار می‌شدند)).

منظور از: ((عِنْدَ النَّدَاءِ الْأَوَّلِ)) اذان صبح است که به اقامه نسبت داده شده و اسم

آن را اذان اول صبح نامیده‌اند همان‌طور که پیامبر فرموده‌اند: ((بَيْنَ كُلِّ أَدَانَيْنِ صَلَاةٌ))<sup>(5)</sup>،

یعنی: ((در میان هر دو اذان نمازی است)). و منظور از (دو اذان) بدون شک (اذان و اقامه) است نه فاصله‌ی بین دو اذان.

1- أخرجه البخاري: (621).

2- أخرجه البخاري: (631).

<sup>3</sup> الشرح الممتع على زاد المستقنع: ج2، ص61.

4- أخرجه البخاري: (1146).

5- أخرجه البخاري: (627)، ومسلم: (838)، من حديث عبد الله بن بريدة.

همچنین در صحیح بخاری آمده است که: ((زَادَ عُثْمَانُ الْأَذَانَ الثَّلَاثَ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ))<sup>(1)</sup>، یعنی: ((امام عثمان اذان سوم را برای نماز جمعه اضافه کرد)). و می‌دانیم که نماز جمعه یک اذان یا 2 اذان و یک اقامه دارد و چنان که اسمش را گذاشته اذان سوم پس ابهام رفع می‌شود.

همچنین (الصلاة خير من النوم) برای اذان دوم صبح نیز صحیح است. فتوای بن باز و بن عثیمین راجح است که می‌گویند (الصلاة خير من النوم) در اذان آخر یعنی اذان دوم است. همچنان که پیداست از الفاظ مختلف حدیث فهم می‌شود که در اذان دوم جایز است و همچنین با جمهور علما موافق است هم علمای سلف هم علمای معاصر. ولی اگر در اذان اول صبح هم گفته شود مشکلی نیست همچنان که بن باز گفته است.

## موضوع پنجم

### گفتن حی علی خیر العمل در اذان

امام شوکانی فرموده است:<sup>2</sup> در حدیث عبدالله پسر زید در جملات اذان، جمله‌ی (حَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ) نیامده است.

امام زکریای انصاری فرموده است<sup>3</sup> که امامان مذاهب هیچ‌گونه اختلافی در مورد جمله‌ی (حَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ) که آیا جز اذان است یا نه ندارند و همگی آن‌ها بر این باورند که این جمله جزء اذان نیست.

و جمور علماء گفته‌اند: هرچه در صحیح بخاری و مسلم در مورد اذان حدیث وارد شده است جمله‌ی (حَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ) نیامده است. و همچنین گفته‌اند اگر این جمله هم آمده باشد آن در اذان اول بوده است و نسخ شده است به دلیل احادیثی که بعداً آمده است و ما می‌دانیم که اذان (بلال) و (ابن ام‌مکتوم) در مسجد مدینه، اذان (ابومحذور) در مکه و (سعدی القرظی) در قباء جمله‌ی حی علی خیر العمل نداشته است و بدون

1- أخرجه البخاري: (913) عن السائب بن يزيد.

<sup>2</sup> نيل الأوطار: ج1، ص503.

<sup>3</sup> أسنى المطالب في شرح روض الطالب: ج1، ص133.

شک اگر این جمله در اذان وجود داشت به ما نیز می‌رسید و فراموش نمی‌شد و این موضوع که (حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ) جز اذان است برای ما ثابت نشده است و چیزی باطل و بدعت است.<sup>1</sup> و این جمله‌ی اضافی است که امامیه آن را در اذان می‌گویند و هر چهار مذهب متفقند که جمله‌ی (حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ) در اذان وجود ندارد.

## موضوع ششم

کارهایی که بعد از اذان انجام دادنش مستحب است:

1- دعا کردن بعد از اذان:<sup>2</sup> حدیث جابر بن عبدالله انصاری: ((مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النَّدَاءَ: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفُضَيْلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ))<sup>(3)</sup>، یعنی: ((هرکسی که اذان را شنید بگوید: خداوندا مؤذن و کسی که نماز را به پا می‌دارد مقام وسیله و فضیله که مقامی بلندمرتبه است به ایشان ببخش و همچنین پیامبرمان محمد را در جایگاه محمود قرار بده)).  
همچنین ابن حجر فرموده است:<sup>4</sup> کلمه‌ی (حَلَّتْ لَهُ) یعنی: (شایستگی برای او واجب شده) یا نازل شده، همچنین در طحاوی آمده که ابن مسعود با لفظ و جبت‌له آمده است.  
همچنین در حدیث ابن عمر آمده است که پیامبر فرموده است: ((إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ، ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ، وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي حَلَّتْ عَلَيْهِ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ))<sup>(5)</sup>، یعنی: ((هر وقت صدای اذان را شنیدید، آنچه می‌شنوید تکرار کنید و بر من صلوات بفرستید هرکس یکبار بر من صلوات بفرستد خداوند صلوات بر او می‌فرستد پس برای من تقاضای مقام وسیله بکنید که جایگاهی است در بهشت و فقط به یک نفر در امت داده می‌شود و از خدا می‌خواهم آن یک نفر من باشم و هرکس آن مقام را برای من بخواهد در روز قیامت شفاعتم برایش ثابت است)).

<sup>1</sup> آل رسول الله وأولياؤه: ج1، ص177.

<sup>2</sup> الوجيز في الفقه للعبدالعظيم البدوي: ص461.

<sup>3</sup> - أخرجه البخاري: (582)، (614).

<sup>4</sup> فتح الباري شرح صحيح البخاري: ج2، ص120.

<sup>5</sup> - أخرجه البخاري: (614)، والبيهقي: (48)، (49).

همچنین ابن حجر فرموده است: "منظور از اذان شاید همه‌اش همین صلوات فرستادن باشد که در حدیثی از امام مسلم این را تأکید می‌کند: ((قُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ...))<sup>(1)</sup><sup>(2)</sup>، یعنی: ((مؤذن چی گفت شما هم تکرار کنید و بعد از آن صلوات بفرستید)).

2- دعا کردن ما بین اذان و اقامه: در آن هنگام دعا رد نمی‌شود و اجابت می‌شود. از انس مالک روایت شده است که پیامبر فرمود: ((إِنَّ الدُّعَاءَ لَا يَرُدُّ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، فَادْعُوا))<sup>(3)</sup>، یعنی: ((از خدا طلب دعای خیر کنید زیرا دعا مابین اذان و اقامه رد نمی‌شود)).

## موضوع هفتم

### صلوات فرستادن بر پیامبر بعد از اذان:

امام ابن حجر هتیمی از علمای شافعی مذهب می‌فرماید:<sup>4</sup> در هیچ یک از احادیث ندیده‌ایم که به صلوات فرستادن بر پیامبر چه قبل از اذان و چه بعد از اذان اشاره شده باشد و همچنین بعد از (محمدرسول الله) نیز ندیده‌ایم، همچنین در فرمایشات امامان مذاهب نیز چنین چیزی ندیده‌ایم و هیچ یک از این دو عمل مستحب نیست و هرکس چنین کاری انجام دهد و در ابتدا یا انتهای اذان صلوات فرستادن را اضافه کند، از این کار ممانعت می‌شود و آن شخص سرزنش می‌شود زیرا کاری بدون دلیل انجام داده است و هرکس نیز کاری بدون دلیل انجام دهد در دین رد می‌شود و ملامت می‌شود.

1- أخرجه مسلم: (847)، والبيهقي: (48)، (49).

2- فتح الباري شرح صحيح البخاري: ج2، ص120.

3- أخرجه أحمد: (12584)، الترمذي: (196)، (212)، وصححه الألباني في صحيح الترمذي: (2843).

4- مجموع الفتاوى الفقهية الكبرى للهيتمي: ج1، ص313.



ابن تیمیه فرمودند فرموده است:<sup>1</sup> صلوات فرستادن یکی از دعاها می‌باشد و دعا مستحب است که به صورت پنهانی باشد مگر دلیل خاص برای آشکار کردن آن داشته باشیم و خداوند می‌فرماید: «أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ٥٥» (اعراف/ 55).

و «إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا ٣» (مریم/ 3).

و «وَأَذْكُرُ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ٢٠٥» (اعراف/ 205).

### بخش سوم

چگونگی اقامه کردن و احکام آن که شامل 4 موضوع است:

موضوع اول: تعریف اقامه در لغت و دین

موضوع دوم: حکم اقامه کردن

موضوع سوم: چگونگی اقامه کردن و روش گفتن آن

موضوع چهارم: مستحبات اقامه کردن

<sup>1</sup> مجموع الفتاوی ابن تیمیه: ج 22، ص 274.

## موضوع اول

### تعریف اقامه

تعریف اقامه در زبان‌شناسی: <sup>1</sup> مصدر (أَقَامَ) است، بلند شدن برای انجام کاری و اگر آن کار را انجام داد آن کار به همان صورت می‌ماند. و چند معنا دارد از جمله (الاستمرار - الاظهار - النداء) یعنی: (جا گرفتن، آشکار کردن، صدا زدن).

همچنین اقامه در اصل مصدر (أَقَامَ) یعنی ایستادن است و در حقیقت ایستادن شخص نشسته یا ایستادن شخص خوابیده است. اگر شخصی که اقامه گفت کسانی که نشسته‌اند بلند می‌شوند و نشستنشان تمام می‌شود.<sup>2</sup> و اقامه به معنای انتظار برای انجام کاری است و هنگامی که آن کار انجام شد انتظار تمام می‌شود.

**تعریف اقامه از لحاظ شرعی:** بندگی خداوند است برای اقامه‌ی نماز و انجام دادن چند ذکر مشخص و منحصر به فرد.<sup>3</sup> و علما به چندین روش آن را تعریف کرده‌اند: اعلام کردن برای انجام کاری، و آن کار بلند شدن برای نماز است با چند ذکر مشخص.<sup>4</sup>

## موضوع دوم

### حکم اقامه کردن:

---

<sup>1</sup> لسان العرب، والمصباح المنیر، والممتع: (35-36).  
<sup>2</sup> السنن الكبرى للبيهقي: ج1، ص230.  
<sup>3</sup> صحيح فقه السنة وأدلته وتوضيح مذاهب الأئمة: ص270.  
<sup>4</sup> السنن الكبرى للبيهقي: ج1، ص230.

اقامه نیز همان‌گونه که در بحث اذان گفتیم مانند اذان (فرض کفایی) است. و برای هر 5 مرتبه نماز فرض است و فرقی نمی‌کند که نماز در وقت خودش باشد یا از وقت خودش گذشته باشد.<sup>1</sup>

و دلیلمان حدیث پیامبر است که فرمود: ((مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرِيَةٍ وَلَا بَدْوٍ لَا تُقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا قَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ))<sup>(2)</sup>، یعنی: ((هیچ سه نفری در روستایی وجود ندارند که اذان و اقامه و نماز انجام نداده‌اند مگر اینکه شیطان بر آن‌ها مسلط می‌شود)).

و گفته‌ی انس که فرموده است: ((أَمْرٌ بِلَالٍ أَنْ يَشْفَعَ الْأَذَانَ وَأَنْ يُوتَرَ الْإِقَامَةَ))<sup>(3)</sup>، یعنی:

((به بلال فرمان داده شد که کلمات اذان را 2 بار تکرار کند و کلمات اقامه را یکبار)).

همچنین آن فرمایش پیامبر: ((إِذَا أَنْتُمْ حَرَجْتُمْ فَأَذِّنَا ثُمَّ أَقِيمَا ثُمَّ لِيُؤَمِّكُمْ أَكْبَرُكُمْ))<sup>(4)</sup>،

یعنی: ((اگر دو نفر از شما بیرون رفتند و اذان و اقامه را به جای آورند پس مسن‌ترین شما امامت را برعهده بگیرد)).

#### حکم اقامه مانند حکم اذان است که قبلاً گفتیم فقط چند نکته‌ای را اضافه کرده‌ایم:

- 1- اقامه باید سریع گفته شود و در ضمن ادای حروف به درستی باشد ولی به قدری سریع نباشد که معنا و اشکال کلمات عوض بشود.<sup>5</sup>
- 2- اگر مؤذن اذان گفت و اقامه کرد مستحب است که نمازگزاران آن کلمات را تکرار کنند و این بحث در بحث سنت‌های اذان گفته شد.<sup>6</sup>
- 3- اقامه باید با صدای بلند گفته شود تا مردم برای ادای نماز آگاه شوند و به سوی نماز بشتابند.<sup>7</sup>

<sup>1</sup> منهاج المسلم کتاب عقائد و آداب و أخلاق و عبادات و معاملات: ص 188.

<sup>2</sup> - أخرجه أبو داود: (547)، والنسائي (838)، (847)، وحسنه الألباني في الثمر المستطاب: ص 117.

<sup>3</sup> - أخرجه البخاري: (571)، (602)، ص 175.

<sup>4</sup> - أخرجه البخاري: (597)، (630).

<sup>5</sup> موسوعة الفقه الإسلامي والقضايا المعاصرة: ج 1، ص 615.

<sup>6</sup> موسوعة الفقه الإسلامي والقضايا المعاصرة: ج 1، ص 617.

<sup>7</sup> موسوعة الفقه الإسلامي: ج 2، ص 394.

4- اقامه نباید گفته شود مگر به فرمان امام، همان‌گونه که بلال تا پیامبر دستور نمی‌فرمودند اقامه نمی‌کرد و اگر زیاد طول می‌کشید صحابه می‌گفتند: ((الصَّلَاةُ، يَا رَسُولَ اللَّهِ))<sup>(1)</sup>، یعنی: ((وقت نماز است ای رسول‌الله)).

## موضوع سوم

### چگونگی ادای اقامه کردن<sup>(2)</sup>:

اقامه به چندین شکل نازل شده است و ما در اینجا از شکل‌های رایج علما بحث می‌کنیم:<sup>3</sup>

اقامه (11) جمله دارد<sup>4</sup> و آن اقامه کردن بلال می‌باشد که به دستور پیامبر در سفر و حضر این‌گونه بوده است.<sup>5</sup>

اللَّهُ أَكْبَرُ 1، اللَّهُ أَكْبَرُ 2،

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ 3،

1- أخرجه البخاري: (137)، (139).

2- قامت به (سی) شیواز دابه زیوه، وه پیشتر له سه ره وه باسی ئه و شیواز ه مان کرد که پای راجی زانایانی له سه ره، ئیسته ش باسی شیواز ه کانی تری ده که بین که زانایان پا جیابیان هه به له سه ری:

أ - قامت (حه قده) رسته یه، نهویش قامتی نه بو محذوره به ﷺ. أخرجه أحمد: (15381)، الترمذي: (192)، وحسنه الألبانی من المعاصرين في الثمر المستطاب: 120.

ب- قامت (ده) رسته یه، که رسته ی (قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ) بهك جار دهوتریت له قامتدا. المدونة الكبرى للإمام مالك: (58\1)، وموسوعة الفقه الإسلامي والقضايا المعاصرة: ج1، ص615.

<sup>3</sup> موسوعة الفقه الإسلامي: ج2، ص402.

<sup>4</sup> فتح الباري لابن حجر: (84\2)، الثمر المستطاب: (209\1).

<sup>5</sup> موسوعة الفقه الإسلامي: ج2، ص402.

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ 4،

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ 5،

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ 6،

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ 7، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ 8،

اللَّهُ أَكْبَرُ 9، اللَّهُ أَكْبَرُ 10،

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ 11(1)

موضوع چهارم

### مستحبات اقامه کردن

مستحبات اقامه همان مستحبات اذان است با چند مورد بیشتر:

1- مستحب است که مؤذن و اقامه‌کننده ساکن آن شهر یا محل باشند.

2- بهترین زمان اجابت دعا بعد از اذان است و همچنین امام ترمذی با اسناد حسن

می‌فرماید: ((إِنَّ الدُّعَاءَ لَا يُرَدُّ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ، فَادْعُوا))<sup>(2)</sup>، یعنی: ((طلب دعای خیر بکنید

که دعای مابین اذان و اقامه رد نمی‌شود)).

3- مستحب است که مؤذن و اقامه‌کننده یک شخص واحد باشد و امام باید دستور

اقامه کردن را بدهد و مؤذن نباید اقامه بگوید مگر با اشاره یا بلند شدن امام برای

نماز.<sup>3</sup>

1- أخرجه أبو داود: (420)، (499)، المجموع للنووي: (94\3)، المحلى لابن حزم: (187\2).

2- أخرجه أحمد: (12584)، الترمذي: (196)، (212)، وصححه الألباني في صحيح الترمذي: (2843).

<sup>3</sup> الموسوعة الفقهية: ج 1، ص 86.

## بخش چهارم

اسم و زندگی مؤذنین پیامبر و ویژگی‌های مؤذنان و برخی از اشتباهات مؤذنان.  
شامل سه موضوع است:

موضوع اول: زندگی‌نامه مؤذنان پیامبر

موضوع دوم: ویژگی‌های مؤذنان

موضوع سوم: برخی از اشتباهات مؤذنان

## موضوع اول

زندگی‌نامه مؤذنان پیامبر:  
و ایشان 4 نفر بودند، 2 نفر از آنها مؤذن مدینه، یکی مؤذن قباء و دیگری مؤذن  
مکه بود.

1- **بلال حبشی:**<sup>1</sup> اسمش بلال پسر رباح حبشی است. جوانی سیاه‌پوست بود، هنگامی که اسلام خود را آشکار کرد، کافران او را شکنجه و آزار دادند، سپس امام ابوبکر او را خرید و آزاد کرد، بلال جزء آن هفت نفر اول بود که اسلام خود را اعلام کرد و از طرف پیامبر مزدهی بهشت را دریافت کرد و در تمام غزوات شرکت کرده و اولین مؤذن پیامبر در مدینه بود پس از فوت پیامبر برای جهاد به شام رفت و در سال 20 هجری در داریا وفات فرمودند و همچنین 44 حدیث را روایت فرموده است.

2- **ابن امکتوم:**<sup>2</sup> در مدینه به عبدالله پسر امکتوم مشهور است و نزد اهل عراق به عمر پسر امکتوم شناخته شده است. دومین مؤذن پیامبر بوده و نابینا بوده است. پیامبر در 13 غزوه او را جانشین خود کرده است. در جنگ قادسیه شرکت داشته و سپس برگشته و در مدینه وفات فرموده است.

3- **ابو محذوره:**<sup>3</sup> اسم ایشان اوس پسر میعیریه که به ابومحذوره مشهور است. جوانی خوش‌صدا از اهل مکه بود و در مکه ماند و به مدینه هجرت نکرد وقتی پیامبر از غزوه‌ی حنین برمی‌گردند او را می‌بیند و صدایش را می‌شنوند و سپس او را صدا می‌زند و اذان را به او می‌آموزد در شهر مکه می‌ماند و در سال 59 هجری وفات فرموده است.

4- **سعدی قرظی:**<sup>4</sup> اسمش عبدالرحمن پسر سعد پسر عمار پسر سعد است و مولای عمار پسر یاسر است. و مؤذن مسجد قبا در مدینه بوده است. ابومحذوره که به ترجیع یعنی (بازگشت به هر دو شهادتین) اذان می‌داد و اقامه را دو مرتبه تکرار می‌کرد و بلال اذان را بدون ترجیع می‌گفت و اقامه را فقط یک مرتبه می‌گفت. مذهب امام شافعی و اهل مکه پیرو اذان ابومحذوره و اقامه‌ی بلال هستند، امام ابوحنیفه و اهل عراق پیرو اذان بلال و اقامه‌ی ابومحذوره هستند، امام احمد و اهل حدیث و اهل مدینه پیرو اذان و اقامه‌ی بلال هستند امام مالک مخالف آن دو شیوه است که تکرار الله‌اکبر و دو مرتبه گفتن اقامه روش آن‌هاست.<sup>5</sup>

#### مختصری از زندگی عده‌ای از قاریان و مؤذنین قرن بیستم<sup>6</sup>

قبلاً در مورد فضل و بزرگی اذان گفتن در اسلام بحث کردیم و گفتیم که مؤذنان همیشه در خدمت دین بوده‌اند و با صدای خوش و رسای خود به دین خدمت کرده‌اند و

<sup>1</sup> سیر اعلام النبلاء: (1) 347-360.

<sup>2</sup> سیر اعلام النبلاء: (1) 360-365.

<sup>3</sup> سیر اعلام النبلاء: (3) 117-119.

<sup>4</sup> البداية والنهاية ط الفكر: (321) 7.

<sup>5</sup> زاد المعاد في هدي خير العباد: ج1، ص120.

<sup>6</sup> المصدر: البرنامج ويكيبيديا.

از زمان پیامبر تا الان این رویه مرسوم بوده است. در صفحات قبل مختصری از زندگی مؤذنان پیامبر را آوردیم و اینک بحثی کوتاه در مورد قاریان و مؤذنان این عصر را می‌آوریم که همزمان که قرآن را تلاوت کرده‌اند و به همان شیوه مؤذن نیز بوده‌اند و به دین خدمت کرده‌اند.

1- **قاری شیخ مصطفی اسماعیل:** اسمش مصطفی اسماعیل است، مصطفی در 1905/17 در روستای متین غزال، شهر طنطا، استان الغربیه در کشور مصر چشم به جهان گشود، در خانواده‌ای دیندار دیده به جهان گشود، کمتر از 12 سال از زندگی‌اش می‌گذشت که تمام قرآن را حفظ کرد، 30 بار تمام قرآن را نزد استادش شیخ ادريس فاخر مرور کرد، همچنین قرائات عشر را نزد شیخ ادريس فاخر تمام کرد در حالی که سنش کمتر از 16 سال بود. اولین نفری بوده برای تلویزیون مصر قرآن ضبط کرده است، از جمله مشهورترین قاریان جهان بوده و خدمتی بزرگ به قرآن و دین کرده است و چندین صدای ضبط شده از اذان و قرآن دارد. در صبح روز جمعه 36 دسامبر 1978 میلادی وفات فرموده. و در روز یکشنبه در 28 دسامبر 1978 میلادی در مسجد خودش که در آنجا زندگی می‌کردند و در همان روستای مادری خود به خاک سپرده شد. غفرالله له و لنا.

2- **شیخ محمدصديق منشاوی:** اسم کامل ایشان محمدصديق تايب منشاوی است. در 1920 / / 20 میلادی در روستای البواریک، شهر المنشاة در استان سوهاج کشور مصر دیده به جهان گشود در سن 8 سالگی تمام قرآن را حفظ نمود، او در خانواده‌ای دین‌پرور بود، زیرا پدرش شیخ صدیق، پدربزرگش شیخ تايب و برادش شیخ محمود که به تازگی وفات نموده‌اند همگی قاری بوده‌اند. شیخ صدیق منشاوی از مشهورترین قاریان جهان اسلام است که خدمتی بزرگ به دین و قرآن کرده و تلاوت و اذان‌های ضبط شده‌ای دارد. و سپس ایشان در سال 1966 میلادی بیمار شد و در روز جمعه در تاریخ 1969/ / 20 میلادی وفات فرمودند. غفرالله له و لنا.

3- **شیخ عبدالباسط عبدالصمد:** اسم کامل ایشان ابوطارق عبدالباسط محمد عبدالصمد است. شیخ عبدالباسط در سال 1927 میلادی در روستای المراعزة، شهر أرمنت، استان قنا در کشور مصر دیده به جهان گشودند، شیخ عبدالباسط اصالتاً کورد بوده و شیخ عبدالصمد پدربزرگش در کردستان عراق زندگی می‌کرده و بعدها به مصر هجرت می‌کند و در آنجا می‌ماند، هنگامی که شیخ به سن 6 سالگی می‌رسد همراه با دو برادرش (محمود و عبدالحمید) نزد شیخ امیر به حفظ قرآن پرداختند، سنش به 10 سالگی نرسیده بود که تمام قرآن را حفظ نمود و در خانه‌ی خود به کسب علوم شرعی پرداخت زیرا پدربزرگش حافظ قرآن بوده و در علم تجوید دستی داشته است، بعد از



چندی شیخ مشغول آموزش قرآن بوده و حتی کتابخانه‌ای مخصوص به خود را داشته است.

ایشان از مشهورترین قاریان جهان اسلام است که به واسطه‌ی صدای زیبایش چندین نفر هدایت پیدا کرده‌اند، ایشان به چندین شیوه قرآن را تلاوت نموده‌اند و به صورت ضبط شده در تمام دنیا پخش شده است. به طوری که بسیاری از قاریان و مؤذنان به تقلید از ایشان پرداخته‌اند. سپس ایشان در روز چهارشنبه 1988 / 30 میلادی به سبب بیماری کبد وفات فرمودند و به دیار باقی شتافت، وفات ایشان تمام مسلمانان را متأثر کرد و ان‌شاءالله خداوند ایشان را قرین رحمت خویش قرار دهد.

و در این برهه از زمان نیز چندین مؤذن خوش‌صدا و توانا در کشورهای اسلامی و همچنین در کردستان عراق داریم که صدایشان را مسلمانان می‌شنوند و با صدای خود به دین اسلام خدمت می‌کنند و به دیگران آموزش می‌دهند، خداوند درون مؤذنان را خالص گرداند برای خدمت صادقانه به دین، آمین.

## موضوع دوم

### ویژگی‌های مؤذنان

1- **اخلاص نیت:** نیت مهم‌ترین بخش هر کاری است و باید در هر کاری نیت داشت و انسان قلباً بگوید و فقط لفظی نباشد. همان‌طور که پیامبر فرموده است: ((إِنَّمَا

الأَعْمَالُ بِالْيَتَاتِ))<sup>(1)</sup>، یعنی: ((هر کاری باید همراه با نیت باشد)). به همین خاطر مؤذن باید قلباً به این کار راضی باشد و آن را انجام دهد و خود را تنها برای خدا خالص گرداند و تحت تأثیر دیگران قرار نگیرد زیرا ریا اعمال انسان را پوچ و نابود می‌کند و در دنیا و قیامت زیان دیده می‌شود.

2- پاک بودن مؤذن هنگام اذان: مستحب است که مؤذن وضو داشته باشد و جُنُب نباشد و لباس‌هایش تمیز باشد و اگر مؤذن اذان گفت و وضو نداشت اذانش صحیح است زیرا پیامبر در هر زمانی ذکر خدا را انجام داده‌اند.<sup>2</sup>

3- باید اوقات نمازهای پنج‌گانه را بداند، برای اینکه اذان را در وقت خود ادا کند و پس و پیش نیافتد، اگر نابینایی اذان گفت اذانش صحیح است به شرط اینکه شخصی او را از اوقات نماز آگاه سازد زیرا: ((كَانَ ابْنُ مَكْتُومٍ (وَهُوَ أَعْمَى) لَا يُؤَدِّنُ حَتَّى يُقَالَ لَهُ: أَصْبَحْتَ أَصْبَحْتَ))<sup>(3)</sup><sup>(4)</sup>، یعنی: ((ابن مکتوم اذان می‌گفت تا به او گفته می‌شود اصحبت اصحبت یعنی روز شد روز شد)).

4- مؤذن باید در اذان و اقامه صدایش رسا و بلند باشد، و صدایی دلنشین داشته باشد همان‌طور که قبلاً بحث کردیم مانند حدیث عبدالله پسر زید که پیامبر فرمودند: ((أَلْفِهِ عَلَى بِلَالٍ، فَإِنَّهُ أَنْدَى مِنْكَ صَوْتًا))<sup>(5)</sup>، یعنی: ((برو نزد بلال و اذان را به او بیاموز زیرا او صدای بلندتر و خوش‌صداتر است)).

## موضوع سوم

### برخی از اشتباهات مؤذنان

برخی از مؤذنان در اشتباه می‌افتند و عده‌ای نیز از دستورات شرعی سرپیچی می‌کنند با اضافه و کم کردن در اذان گفتن و دلیلش عدم آگاهی و بی‌دانشی آن‌هاست. و برخی مواقع به دلیل اجتهاد بدون علم به امید اینکه پاداش بیشتری دریافت کنند این کارها را انجام می‌دهند و بسیاری از این اشتباهات جدیداً به وجود آمده و بسیاری نیز از قدیم‌الایام وجود داشته است و تمام این‌ها نیز به سبب عدم علم کافی نسبت به اذان است.

1- متفق علیه: من حدیث عمر بن الخطاب (رضی الله عنه)، وهو أول حدیث فی صحیح البخاری.

2 آخرجه مسلم: (373)، وأبو داود: (18)، والترمذی: (3381)، وابن ماجه: (302).

3- آخرجه البخاری: (585)، (617).

4- فقه السنة وأدلته وتوضیح مذاهب الأئمة: ج 1، ص 281.

5- صحیح: أخرجه البيهقي: (1708)، (1 | 399)، تحريجه بيرنامج: (جوامع الكلم).

## اشتباهات مؤذنان عبارتند از:

### 1- کش دادن اذان همانند خواندن و خوانندگی

شیخ علی محفوظ در کتابش به اسم الإبداع فی مضار الإبتداع فرموده است:<sup>1</sup> از بدعت‌هایی که به وجود آمده است ریتم آواز و موسیقی است که اذان به آواز شبیه می‌شود و باعث می‌شود معنای کلمات اذان عوض شود با زیاد و کم کردن اعراب و توقف بی‌مورد تا ریتم اذان حفظ شود و این کاری ناپسند است.

امام بخاری این موضوع را بیان فرموده است:<sup>2</sup> محمدابن عبدالعزیز به مؤذنی گفت: یا به آسانی و به حالت عادی اذان بگو. یا اذان نگو، و ابن حجر فرموده است: چیزی که از این موضوع آشکار می‌شود این است که ترسیده آوازخوانی را قاطی اذان بکند و خشوعی باقی نماند.

شیخ عبدالله جبرین می‌گوید:<sup>3</sup> (تطریب و تلحین عبارتند از اِکودادن به صدا و تکرار کردن صدای خود، تا جایی که برخی اوقات به سبب آواز صدای خود همانند آوازخوانی می‌شود و این کار مکروه است، صحیح است که صدای خوش برای اذان سفارش شده است ولی گاهی اوقات از حالت عادی خارج می‌شود).

و برخی از مؤذنان آن‌چنان به آوازخوانی اهمیت می‌دهند تا کار به جایی می‌رسد که از معنای کلمات اذان و چگونگی اذان دادن غافل می‌شوند یا گاهی اوقات صدایی همانند آواز خواندن به کار می‌برد و مایه‌ی تشویق اطرافیان نیز قرار می‌گیرد و می‌گویند چه صدای زیبایی دارد یا به هر شکل که باشد کاری می‌کند که صدایش زیباتر به نظر برسد و اذان نیز برای این کار یعنی رقابت برای خوش صدایی نیست بلکه فقط جهت آگاهی مردم برای برپایی نماز است.

### 2- اشتباهاتی که از لحاظ لغوی در کلمات اذان عارض می‌شود: این اشتباهات

عبارتند از کارهایی که مؤذن انجام می‌دهد و اعراب کلمات اذان را تغییر می‌دهد و یا بسیاری از کلمات را کش می‌دهد در حالی که نباید مد داشته باشد و از جمله‌ی این اشتباهات عبارتند از:

<sup>1</sup> الإبداع : ص 176.

<sup>2</sup> فتح الباری: (2 / 87 - 88).

<sup>3</sup> من سؤال وجه إليه في درس من دروس شبرا: (ربيع الآخر 1414هـ).

**الف:** بلند کردن و کشیدن همزه (الله) که به سبب این کشیدن به جمله‌ی سوالی تبدیل می‌شود و این‌گونه می‌شود (هل الله اکبر؟) آیا خداوند بزرگ است؟ و این کاری اشتباه است و نباید این‌گونه باشد.

**ب:** کشیدن حرف (ب) در کلمه‌ی اکبر که گفته می‌شود (أكبار) که در اصل (أكبر) صیغه‌ی تفضیلی بر وزن (أفعل) است و معنایش این است که خداوند از هر چیزی بزرگتر است و وقتی به اکبار تبدیل شود به معنای دُهل و ضرب (یا طبل) تبدیل می‌شود.

**ج:** کشیدن همزه‌ی (أشْهَدُ) که گفته می‌شود (أشْهَدُ) و بدین شیوه جمله به سوالی تبدیل می‌شود و این‌چنین می‌شود (أشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟) یعنی آیا شهادت بدهم که خداوند تنها و یگانه است؟ و این نیز در اذان صحیح نیست.

**د:** کشیدن ضمه‌ی رفع در (أشْهَدُ) که می‌شود (أشهدوا) و با این تغییر جمله از حالت خبری خارج می‌شود و به فعل ماضی تبدیل می‌شود.

**ه:** مشدد کردن (ن) در (أشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) که به (أشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) تبدیل می‌شود که در اصل آن (ن) ساکن است.

**و:** مفتوح کردن (ل) در (أشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ)، در حالی خود کلمه‌ی ضمه است و خبر آن است و با این شکل مفتوح اگر بیاید معنایش تغییر پیدا می‌کند و این اشتباه بسیار رایج است.

**ز:** تلفظ نکردن (هاء) در (أشْهَدُ) که اشتباه است.

**ح:** تنوین‌دار کردن و مضموم کردن (دال) در (محمدًا) که گفته می‌شود (محمدٌ).

**گ:** تلفظ نکردن (ح) در (حي على الفلاح) که می‌گویند (حي على الفلا).

**ی:** تبدیل (کاف) به «گاف» در کلمه‌ی اکبر و این نیز اشتباه است.

**ک:** اظهار نکردن (هاء) در کلمه‌ی (الله) و اخفای آن به واو که جمله به (اللّٰه اکبر) تبدیل می‌شود.

**ل:** تبدیل (هاء) در (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) بر (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و این نیز اشتباهی دیگر است.

3- دقت نکردن مؤذنان به اوقات نماز که برخی اوقات باعث می‌شود در وقت

خود اذان نگویند و زودتر یا دیرتر می‌گویند به ویژه در ماه مباره رمضان.

4- صلوات فرستادن زیاد بر پیامبر و دعا برای برخی از اصحاب پیامبر از طرف عده‌ای از مؤذنان بعد از اذان با صدای بلند.

5- اضافه‌ی جمله (أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ)، و (أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا حُجَّةُ اللَّهِ).

این دو جمله از طرف امامیه اضافه شدند و اصلی در اذان ندارند.

شیخ عبدالله جبرین می‌فرماید: گفتن این جمله در اذان سبب ابطال اذان می‌شود زیرا اضافاتی که در اصل اذان نبوده باعث ابطال اذان می‌شود.

6- برخی از مؤذنین هنگام اذان وقتی دچار حدث اصغر می‌شوند اذان را قطع

می‌کنند در حالی که اذان با حدث اصغر باطل نمی‌شود و صحیح است و لازم است اذان تا آخر ادامه پیدا کند.

## بخش پنجم

حکم اذان و اقامه برای عیدین و همچنین برای جمع نماز و دریافت مزد برای

اذان دادن که شامل 6 موضوع است:

موضوع اول: حکم اذان و اقامه برای عید رمضان و عید قربان.

موضوع دوم: اذان و اقامه برای جمع 2 نماز.

موضوع سوم: دریافت مزد برای اذان گفتن.

موضوع چهارم: بیرون رفتن از مسجد بعد از اذان.

موضوع پنجم: اذان اول برای نماز جمعه.

موضوع ششم: اذان و اقامه هنگام تولد نوزاد در گوش او.

## موضوع اول

حکم اذان و اقامه برای عید رمضان و عید قربان

عادل بن یوسف العزازی گفته است: <sup>1</sup> در صحیح بخاری و مسلم آمده است که از ابن عباس و جابر روایت شده است که: ((لَمْ يَكُنْ يُؤَدِّنُ يَوْمَ الْفِطْرِ وَلَا يَوْمَ الْأَضْحَى))<sup>(2)</sup>، یعنی: ((برای هیچ یک از اعیاد رمضان و قربان اذان گفته نشده است)).

در روایت دیگر امام مسلم که عطا فرموده که جابر به من خبر داد که: ((أَنَّ لَأَذَانَ لِمَصَلَاةِ يَوْمِ الْفِطْرِ حِينَ يَخْرُجُ الْإِمَامُ، وَلَا بَعْدَ مَا يَخْرُجُ وَلَا إِقَامَةً وَلَا نِدَاءً وَلَا شَيْءَ، لَا نِدَاءً يَوْمَئِذٍ وَلَا إِقَامَةً)) أخرجه مسلم، یعنی: ((اذان برای عید رمضان وجود ندارد هنگامی که امام خارج می‌شود و بعد از آن نیز نه اقامه و نه اذان و نه هیچ چیز دیگری وجود ندارد، در آن هنگام اذان و اقامه وجود ندارد)).

این احادیث دلیل ما برای عدم اذان و اقامه برای عیدین است.

امام ابن قیم فرموده است: <sup>3</sup> هنگامی که پیامبر نماز ادا می‌کرد بدون اذان و اقامه تمام می‌کرد و همچنین جمله‌ی ((الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ)) گفته نمی‌شد و مستحب است هیچ کدام تکرار نشود.

<sup>1</sup> تمام المنة في فقه الكتاب وصحيح السنة: ج1، ص42.

<sup>2</sup> - أخرجه البخاري: رقم(960)، ومسلم: رقم(886).

<sup>3</sup> زاد المعاد: (1|442).

## موضوع دوم

### اذان و اقامه برای جمع بین دو نماز: 1

رای راجح سه مذهب مالکی، شافعی و حنبلی‌ها هنگام جمع 2 نماز در سفر یا در حضر باشد این است که اقامه برای هر دو نماز لازم ولی در گفتن اذان اختلاف نظر دارند، و راجح‌ترین آن رای شافعی‌ها، حنبلی‌ها و ابن‌حزم است که می‌گویند فقط یک اذان گفته می‌شود چه این جمع، جمع تقدیم باشد چه جمع تأخیر و دلیل آن‌ها از این جمله است:

جابر بن عبدالله در مراسم حج می‌فرماید: ((فَرَّاحَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْمَوْقِفِ بِعَرَفَةَ فَحَطَبَ النَّاسَ الْخُطْبَةَ الْأُولَى ثُمَّ أَدَّنَ بِلَالٌ، ثُمَّ أَحَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْخُطْبَةِ الثَّانِيَةِ فَفَرَعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْخُطْبَةِ وَبِلَالٌ مِنَ الْأَذَانِ، ثُمَّ أَقَامَ بِلَالٌ وَصَلَّى الظُّهْرَ، ثُمَّ أَقَامَ وَصَلَّى الْعَصْرَ))<sup>(2)</sup>، یعنی: ((پیامبر در عرفه به مکان سخنرانی تشریف بردند و خطبه‌ی اول را ایراد فرمود و بلال اذان را گفت سپس پیامبر خطبه‌ی دوم را ایراد فرمودند و تمام شدند سپس بلال اقامه گفت و نماز ظهر را ادا کردند و سپس بلال اقامه‌ی دیگری انجام داد و نماز عصر را ادا کردند)).  
و ابوسعید خدری فرموده است که: در روز خندق از ما سوال و جواب شد تا بعد از نماز مغرب که هوای سرد و باد تند را تجربه کردیم و این آیه نازل شد: «وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا ۚ ۲۵» (احزاب/ 25).

سپس پیامبر بلال را صدا زد و به او فرمان داد تا اقامه بگوید، بلال اقامه کرد و نماز ظهر را خواندیم سپس دوباره اقامه گفت نماز عصر را خواندیم سپس وقت نماز مغرب رسید و بلال اقامه گفت و نماز مغرب را خواندیم، سپس دوباره اقامه کرد و نماز عشاء را خواندیم این کار قبل از نزول آیه‌ی (صلاة الخوف) بود: «فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَالًا أَوْ رُكْبَانًا ۚ ۲۳۹» (بقره/ 239).

امام شافعی می‌فرماید:<sup>3</sup> ما نیز این رای را برمی‌گزینیم یعنی یک اذان و دو اقامه برای جمع نماز و این دلیلی است که برای جمع 2 نماز اذان و اقامه برای نماز اول

<sup>1</sup> الإشراف على مذهب العلماء لابن منذر: (310/3)، أحكام الأذان والإقامة: ص326-327، الموسوعة الفقهية الكويتية: (370/2).

<sup>2</sup> - أخرجه مسلم: (2941).

<sup>3</sup> الأم للشافعي: ج 1، ص 106.

گفته می‌شود و برای نماز دوم فقط اقامه ادا می‌شود و همچنین اگر در وقت خودش ادا نشد به همان شیوه که گفتیم ادا خواهد شد.

## موضوع سوم

### دریافت مزد به سبب اذان گفتن

عثمان بن ابی العاص می‌فرماید: ((أَخِرُّ مَاعَهَدَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَتَّخِذَ مُؤَدِّنًا لَا يَأْخُذُ عَلَيَّ أَذَانِهِ أَجْرًا))<sup>(1)</sup>، یعنی: ((آخرین چیزی که از پیامبر به من رسید این بود که اگر مؤذنی را به خدمت گرفتیم آن مؤذن نباید مزد و پاداشی (مادی) دریافت کند)).  
امام شافعی می‌فرماید:<sup>2</sup> دوست دارم مؤذنان سخاوتمند باشند و در عوض اذان مزدی دریافت نکنند.

امام مالک می‌فرماید: مشکلی ندارد اگر مؤذن در برابر کاری که می‌کند مزدی دریافت کند.

---

1- أخرجه الترمذي بسند صحيح: (209)، وابن ماجه: (714)، ولفظ النسائي وأبي داود: قال موسى بن إسماعيل: ((إِنَّ عُثْمَانَ بْنَ أَبِي الْعَاصِ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اجْعَلْنِي إِمَامَ قَوْمِي؟ قَالَ: أَنْتَ إِمَامُهُمْ وَاقْتَدِ بِأَصْفِهِمْ وَاتَّخِذْ مُؤَدِّنًا لَا يَأْخُذُ عَلَيَّ أَذَانِهِ أَجْرًا))، وصححه الألباني في الشمع المستطاب: ص 146.  
<sup>2</sup> الأم: (64|2).



امام نووی می‌فرماید:<sup>1</sup> اصحاب فرموده‌اند: اگر شخصی خوش‌صدا بود و در قبال اذان گفتن طلب مزد کرد و فردی بود که صدایی خوش نداشت و داوطلبانه اذان می‌گفت و دریافت مزد برایش مهم نبود، کدام یک را برگزینیم؟  
این سؤال 2 جواب دارد: واضح آن است که فرد خوش‌صدا اذان بگوید و مزد دریافت کند و این قول ابن شریح است.

همچنین از علمای معاصر شیخ بن‌باز فرموده است:<sup>2</sup> علما این را مشخص کرده‌اند که شخص مؤذن که از بیت‌المال پولی دریافت می‌کند که بدان نیازمند باشد مشکلی ندارد. به این خاطر که بیت‌المال برای رضایت مسلمانان است. و همچنین وزارت اوقاف پولی را که برای مؤذنین و امامان جماعت صرف می‌کند مشکلی ندارد زیرا کمکی است برای کار خیر و اگر آن پول را که وزارت اوقاف تعیین نموده هیچ مشکلی ندارد و از خداوند می‌خواهیم که پاداش کارت را به صورت کامل دریافت کنی. زیرا تو پول را دریافت می‌کنی که یاری‌دهنده‌ی تو در انجام آن وظیفه‌ی خطیر است، زیرا امکان دارد که اگر آن مزد و پاداش را دریافت نکنی مجبور شوی تا برای هزینه‌ی زندگی‌ات آن کار را رها کنی و باعث شود تو از انجام کار خیر دور گردی.

## موضوع چهارم

<sup>1</sup> شرح صحیح مسلم: (385).

<sup>2</sup> فتاوی نور علی‌الدرب: (297 / 2 - 299) موقع ابن‌باز.

## بیرون رفتن از مسجد هنگام اذان:

ابو شعشاء می‌فرماید: ((كُنَّا نُعُودًا فِي الْمَسْجِدِ مَعَ أَبِي هُرَيْرَةَ فَأَذَّنَ فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْمَسْجِدِ يَمْشِي فَأَتْبَعَهُ بَصَرُهُ حَتَّى خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ رضي الله عنه: أَمَا هَذَا فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ رضي الله عنه))<sup>(1)</sup>، یعنی: ((با ابوهریره در مسجد نشسته بودیم هنگامی که اذان را گفتند مردی بلند شد و از مسجد خارج شد. ابوهریره فرمود آن مرد نافرمانی ابوالقاسم را کرد)).  
امام نووی می‌فرماید:<sup>2</sup> اگر کسی بعد از اذان از مسجد خارج شود کراهت دارد تا اینکه نماز فرض را ادا کند مگر اینکه عذری شرعی داشته باشد.

محدثین متقدم همانند امام بخاری و ترمذی و همچنین علمای فقه کُنه احادیث پیامبر را بیان کرده‌اند و عناوینی را برای آن انتخاب کرده‌اند که از متن احادیث دریافت کرده‌اند، امام ترمذی عنوانی برای این موضوع تعیین فرموده که (کراهت خارج شدن از مسجد بعد از اذان) سپس امام ترمذی حدیث ابوهریره را شروع کار قرار داده که نهی از خروج از مسجد پس از شنیدن اذان است، سپس امام مبارکفوری در شرح این حدیث می‌فرماید: امام احمد در حدیث ابوهریره این مطلب را اضافی نموده‌است که: ((إِذَا كُنْتُمْ فِي الْمَسْجِدِ فَنُودِيَ لِلصَّلَاةِ فَلَا يَخْرُجْ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُصَلِّيَ))<sup>(3)</sup>، یعنی: ((اگر در مسجد بودید و اذان گفتند از مسجد خارج نشوید تا نماز را به جماعت بخوانید))، این حدیث دلیلی است بر عدم صحت خارج شدن از مسجد بعد از اذان ولی مختص نشده به کسی که عذر دارد و حدیث ابوهریره دلیلی است برای کسانی که عذر دارند.

((پیامبر از مسجد خارج شد در حالی که اقامه را گفته بودند و صف‌های جماعت ایستاده، منتظر بودیم که نماز را شروع بفرمایند که روبه جماعت کرد و فرمود در جای خود بمانید، ما نیز همان‌طور که ایستاده بودیم منتظر بودیم و وقتی ایشان برگشتند، از موی سرش آب می‌چکید و خود را شسته بود))<sup>(4)</sup>. این حدیث دلیل است برای حدیث قبلی که گفتیم و کسانی که به هر حال مجبورند مانند اینکه غسل واجب دارند یا خون دماغ می‌شوند و ... می‌توانند از مسجد خارج شوند.

1- أخرجه مسلم: (1487)، وابن ماجه: رقم(532).

<sup>2</sup> شرح مسلم: ج5، ص159.

3- أخرجه أحمد: (10717)، (10550).

4- أخرجه البخاري وغيره.

همچنین امام ترمذی می‌فرماید: <sup>1</sup> "بر طبق نظر صحابه و بعد از آن‌ها نیز هیچ‌کس حق خروج از مسجد را ندارد مگر عذری شرعی داشته باشد یا کاری ضروری پیش آمده که اگر او نباشد کار انجام نمی‌شود".

## موضوع پنجم

### اذان اول برای نماز جمعه:

در برخی روایت آمده است که اذان اول روش امام عثمان است هنگامی که خلیفه بود و مردم جمعیت‌شان روبه افزایش بود و خانه‌ها از مسجد دور می‌شد بدین شیوه به روشی تبدیل شد. برای روشن‌تر شدن فرمایش شیخ ابن‌باز که درباره‌ی این موضوع در محل همیشگی فتاوا آمده است می‌آوریم، از پیامبر ثابت است که فرمود: ((عَلَيْكُمْ بِسُنِّي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي، تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِدِ))<sup>(2)</sup>، یعنی: ((از سنت من و سنت خلفای راشدین بعد از من تبعیت کنید و بدان چنگ بزنید و با دندان‌هایتان آن را به سفتی بگیرید)).

اذان روز جمعه در زمان پیامبر و ابوبکر و عمر شروع آن زمانی بود که امام بر روی منبر می‌نشست، اما در زمان امام عثمان چون جمعیت افزایش پیدا کرد، امام عثمان دستور دادند که اذانی در ابتدا داده شود اکنون که آن اذان هنوز گفته می‌شود بدعت به حساب نمی‌آید زیرا تبعیت از سنت خلفای راشدین است.

<sup>1</sup> جامع الترمذی: (204).

<sup>2</sup> - أخرجه الترمذی: (2679)، والألبانی فی صحیح الترغیب والترهیب: رقم (37).

و در واقع امامان بخاری، نسائی، ترمذی و ابن ماجه و ابوداود از ابن شهاب نقل می‌کنند که فرمود: صائب پسر زید به من گفت: اذان روز جمعه در زمان پیامبر و ابوبکر و عمر آن زمان شروع می‌شد که امام بر منبر می‌نشست اما در زمان امام عثمان هنگامی که جمعیت افزایش پیدا کرد ایشان دستور دادند تا اذان سوم هم در بازار (زوراء)<sup>(1)</sup> گفته شود و این کار بدین شیوه معمول گشت امام عثمان این چنین اجتهاد کرد و تمام صحابه با ایشان همراه و هم‌صدا بودند زیرا چیزی نگفته و مخالفت نکردند و این عمل به اجماعی سکوتی تبدیل شد.

**چکیده بحث:** این کار نزد علما زیاد است. هرکسی یک اذان گفت پیرو سنت پیامبر و ابوبکر و عمر است و هرکس 2 اذان گفت پیرو سنت امام عثمان و تمام صحابه از مهاجرین و انصار و از جمله علی و عبدالرحمن بن عوف و طلحه و ... است و بدین شکل به اجماع تبدیل شد. والله تعالی اعلم.

## موضوع ششم

اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد

---

1- يك جایگاه شهر مدینه بود.

(هفتم یا عقیقه) سنتی بزرگ در اسلام است. و پیامبر برای انجام دادن این سنت پافشاری کرده است، ولی الان در نزد مردم کمرنگ شده است، در حالی که پیامبر در سن 40 سالگی برای خود عقیقه انجام داده است، برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند ذبح می‌شوند.

در روز هفتم یا چهاردهم یا بیست و یکم، اگر عذری داشت و نتوانست در این سه زمان انجام دهد می‌تواند در هر زمان دیگری که باشد انجام بدهد، هنگامی که نوزاد به دنیا می‌آید، اسمی شرعی و بامسمی برایش انتخاب می‌شود و در همان روز دهان او را (کام دهان) با خرما شیرین می‌کنند.

در مورد اذان گفتن در گوش نوزاد اکثر علماء آن را مستحب می‌دانند. و این زمانی است که بچه به دنیا آمده باشد نه در روز هفتم و چهاردهم و ... و علمای مفاخر اقامه را نیز اضافه کرده‌اند، اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ و دلیلشان چند حدیثی است که درجه‌ی صحتش مابین (حسن و ضعیف) است و در ضمن می‌توان به آن استناد کرد، هر چند که عمر بن عبدالعزیز اذان را در گوش راست و اقامه را در گوش چپ نوزادش انجام داده است.

ولی شیخ آلبانی احادیث را به حسن و ضعیف تخریح کرده است<sup>(1)</sup>.

و لازم است علمای دینی این موضوع را برای مردم توضیح دهند که مراسم عقیقه یا هفتم سنتی بزرگ است و آن را دوباره زنده کنند و حقایق مربوط به اذان و اقامه در گوش نوزاد را بدانند.

---

1- ضعیف تراجمات للألبانی: ص 11. وه فہرموودہ کان لیڑہدا ہاتون: و مسند أحمد: (298\39)، أخرجه أبو داود: (5107)، و الترمذی: (1514)، و عبد الرزاق فی مصنفہ: (7985)، و أبو یعلیٰ فی مسندہ: (6780)، وابن عدی فی الکامل: (198\7)، ومن المعاصرین سلسلۃ الأحادیث الضعیفۃ و الموضوعۃ للألبانی: (321).

## سخن آخر

در آخر این کتاب سپاس و ستایش خداوند را به جا می‌آورم که بر من منت نهاد تا بتوانم این کتاب را به سرانجام برسانم. و از خداوند می‌خواهم از ما قبول بفرماید و جز عبادت قرار دهد و آن را ذخیره‌ی قیامت گرداند و همچنین برای کسانی که کتاب را مطالعه می‌کنند.

در پایان کتاب به این نتیجه رسیدم که:

**اول:** اذان و اقامه عبادتی بزرگ برای خداوند است و آگاهی دادن به مردم است برای اوقات نماز با ذکرِ مخصوص به خود.

**دوم:** علماء در مورد حکم اذان و اقامه اختلاف نظر دارند و در نزد بیشتر آنها فرض کفایی است هر چند عده‌ای گفته‌اند سنت موکده می‌باشد.

**سوم:** اذان به سه شکل مختلف به ما رسیده است، شکل اول **15 جمله** است، شکل دوم **19 جمله** و شکل سوم **17 جمله** می‌باشد. و اختلافشان بر سر دوباره خواندن هر دو شهادتین است و رای اول ارجحیت دارد.

**چهارم:** اقامه نیز به 3 شکل به ما رسیده است: شکل اول **11 جمله** دارد، شکل دوم **17 جمله** و شکل سوم **10 جمله** دارد و شکل اول ارجحیت دارد.

**پنجم:** رأی ارجح جمهور در مورد جمله‌ی حی علی خیر العمل و اشهد ان علیاً ولی‌الله این است که هر چهار مذهب معتقدند که این جملات جزء اذان نیست و صحیح نمی‌باشد. و این اضافات نزد امامیه انجام می‌شود و سند صحیحی نیز در دست ندارند.

**ششم:** علماء در مورد جمله‌ی الصلاة خیر من النوم اختلاف نظر دارند، که آیا در اذان صبح هست یا نه؟ عده‌ای می‌گویند در اذان اول گفته می‌شود و عده‌ای دیگر می‌گویند اذان اول به اذان قبل از صبح مشهور است و اذان اول که به آن می‌گویند اذان دوم در اذان گفته می‌شود. و رأی راجح، سخن شیخ بن‌باز و بن عثیمین است که می‌گویند در اذان آخر که اذان دوم است در آن اذان گفته می‌شود همچنان که در احادیث مشخص شده است. و همچنین با رأی علمای قدیم و جدید نیز همخوانی دارد و اگر در اذان اول نیز گفته شود مشکلی نیست همچنان که شیخ ابن‌باز گفته است.

**هفتم:** اذان و اقامه یکی از بزرگترین عبادات قولی می‌باشد و باید کسانی آن را انجام دهند که اهلیت آن کار را دارند یعنی مؤذن باید صدایی روان و رسا داشته باشد و امین باشد.

در مورد اذان گفتن با ضبط صوت علمای معاصر چند رأی دارند: اکثر علما می‌گویند جایز نیست که بکار برده شود. زیرا اذان و اقامه باید همراه با نیت باشد و با ضبط صوت این هدف محقق نمی‌شود و آن پاداشی که برای مؤذنان قرار داده شده است از بین می‌رود. و از علمای کردستان عراق نیز شیخ نوری فارس با این رأی موافق است. ولی عده‌ای دیگر گفته‌اند در استفاده از ضبط صوت در برخی مواقع مشکلی نیست، و در هنگام عدم حضور مؤذن خوش‌صدا و امین جایز است.

**هشتم:** لازم است شروط اذان در مؤذن وجود داشته باشد، سپس اذان بگوید و آن شروط عبارتند از: اسلام - مرد بودن - عقل - صدای خوش و رسا - تلفظ صحیح کلمات به طوری که معنای کلمات اشتباه نشود - ایستاده اذان بگوید.

پیشنهاد می‌کنم برای کسانی که مؤذنان و صدای خوبی دارند، سعی کنند جملات اذان را صحیح ادا کنند و صدای خود را برای اذان تقویت کنند به شرطی که در گفتن اذان آن را زیاد طولانی نکنند، زیرا اذان و اقامه پاداشی بس بزرگ دارد و از اساتید و علماء دینی در مساجد و مراکز آموزشی قرآن درخواست می‌کنم که اذان مؤذنان را اصلاح کنند، و مسابقات اذان برای کسانی که مشتاق اذان گفتن هستند قرار بدهند تا به

صورت رقابت تلاش بیشتری کنند و ضبطصوت، یا هر وسیله‌ی دیگری که در مساجد به جای مؤذن اذان می‌گوید بردارند، و کسانی که می‌خواهند اذان بگویند نیت خود را خالص گردانیده و با قلبی پاک به این کار مشغول شوند.

و در آخر از خداوند می‌خواهم این کار را از ما قبول بفرماید و آن را ذخیره‌ی قیامت ما قرار دهد و خداوند از کسانی که این کتاب را می‌خوانند رحمت خود را شامل حالشان کند و از خوانندگان محترم می‌خواهم ما را از دعای خیر بی‌نصیب نگرداند.

وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمَ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

آزاد فائق کوردی

سلیمانی - نازادی

شب جمعه

11 جمادی الاول 1440 هجری قمری

2019/1/17 میلادی

## فهرست

1. **صحیح البخاری:** محمد بن إسماعیل البخاری (سنة الوفاة: 256)، المحقق: د. مصطفى ديب البغا، دار ابن كثير - اليمامة - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1407 - 1987.
2. **صحیح مسلم:** مسلم بن الحجاج: (سنة الوفاة: 261)، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى.
3. **سنن أبي داود:** أبو داود السجستاني (سنة الوفاة: 275)، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، سوريا - دار الفكر، رقم الطبعة: الأولى، بدون سنة الطبعة.
4. **سنن الترمذي:** محمد بن عيسى الترمذي (سنة الوفاة: 256)، المحقق: أحمد محمد شاکر وآخرون، دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى.



5. **سنن النسائي الصغرى: النسائي** (سنة الوفاة: 303)، المحقق: عبدالفتاح أبو غدة، مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، 1406-1986.
6. **مسند أحمد بن حنبل: أحمد بن حنبل** (سنة الوفاة: 241)، دار إحياء التراث العربي، بيروت، الطبعة: الأولى.
7. **الموطأ بروايتين: للإمام مالك**، موقع شبكة مشكاة الإسلامية.
8. **سنن الدارمي: عبد الله بن عبد الرحمن الدارمي** (سنة الوفاة: 255)، المحقق: فواز أحمد زمرلي، خالد السبع العلمي، دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الأولى.
9. **السنن الكبرى للبيهقي: البيهقي** (سنة الوفاة: 458)، المحقق: محمد عبد القادر عطا، مكتبة دار الباز - مكة المكرمة، الطبعة: الأولى، 1414 - 1994.
10. **الأدب لابن أبي شيبة: أبو بكر بن أبي شيبة**، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي (المتوفى: 235هـ)، المحقق: د. محمد رضا القهوجي، الناشر: دار البشائر الإسلامية - لبنان، الطبعة: الأولى، 1420هـ - 1999م.
11. **فتح الباري شرح صحيح البخاري: أحمد بن علي بن حجر العسقلاني**، دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1418هـ - 1997م.
12. **إتحاف المهرة: ابن حجر العسقلاني** (سنة الوفاة: 852)، المحقق: عبد الله مراد علي، مجمع الملك فهد - ومركز خدمة السنة والسيرة النبوية، المدينة المنورة، الطبعة: الأولى - 1996م.
13. **الأم: المؤلف: الشافعي** أبو عبد الله محمد بن إدريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن عبد المطلب بن عبدمنافالمطلبياالقرشي المكي (المتوفى: 204هـ)، الناشر: دارالمعرفة - بيروت، الطبعة: بدونطبعة، سنةالنشر: 1410هـ/1990م، عددالأجزاء: 8، ج1، ص106.

14. **نيل الأوطار:** أحمد بن علي بن محمد الشوكاني، المحقق: عادل عبدالموجود وآخرون، دار الكتاب العربي - بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، 1420هـ - 2000م.
15. **البيان في مذهب الإمام الشافعي:** أبو الحسين يحيى بن أبي الخير بن سالم العمراني اليمني الشافعي (المتوفى: 558هـ)، المحقق: قاسم محمد النوري، دار المنهاج - جدة، الطبعة: الأولى، 1421هـ - 2000م.
16. **الأوسط في السنن والإجماع والإختلاف:** أبو بكر محمد بن إبراهيم بن المنذر النيسابوري (المتوفى: 319هـ)، المحقق: أبو حماد صغير أحمد بن محمد حنيف، دار الطيبة - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى، 1405هـ - 1985م.
17. **المجموع شرح المهذب ((مع تكملة السبكي والمطيعي)):** أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676هـ)، دار الفكر، (طبعة كاملة معها تكملة السبكي والمطيعي).
18. **زاد المعاد في هدي خير العباد:** ابن قيم الجوزية، المحقق: شعيب الأرنؤوط و عبد القادر الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة - بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة 1419هـ - 1998م.
19. **الكافي في فقه الإمام أحمد:** المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعيلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: 620هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، 1414 هـ - 1994 م، عدداً لأجزاء: 4.
20. **المحلى بالآثار:** لابن حزم الأندلسي، دار الفكر.
21. **بداية المجتهد ونهاية المقتصد:** المؤلف: أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد القرطبي (الشهير بابن رشد الحفيد)، (المتوفى: 595هـ)، الناشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: بدون طبعة، تاريخ النشر: 1425هـ - 2004 م، مج1، ص114.
22. **فتاوى الفقهية الكبرى:** المؤلف: أحمد بن محمد بن علي بن حجر الهيتمي السعدي الأنصاري، شهاب الدين شيخ الإسلام، أبو العباس (المتوفى: 974هـ)، جمعها:

تلميذ ابن حجر الهيتمي، الشيخ عبد القادر بن أحمد بن علي الفاكهي المكي (المتوفى 982 هـ)، الناشر: المكتبة الإسلامية، عدد الأجزاء: 4.

23. **تفسير القرآن العظيم (ابن كثير):** المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، المحقق: محمد حسين شمس الدين، الناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - بيروت الطبعة: الأولى - 1419 هـ.

24. **مجموع الفتاوى:** تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تيمية الحراني (المتوفى: 728هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية 1416هـ/1995م.

25. **القواعد النورانية الفقهية:** تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي (المتوفى: 728هـ)، حققه وخرج أحاديثه: د أحمد بن محمد الخليل، دار ابن الجوزي، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، 1422هـ.

26. **فقه العبادات على المذهب المالكي:** الحاجة كوكب عبيد، مطبعة الإنشاء، دمشق - سوريا، الطبعة: الأولى 1406 هـ - 1986 م

27. **فقه العبادات على المذهب الحنفي:** الحاجة نجاح الحلبي.

28. **فقه العبادات على المذهب الشافعي:** الحاجة درية العيطة.

29. **موضح أوهام الجمع والتفريق للخطيب:** الخطيب البغدادي (سنة الوفاة: 463)، المحقق: د. عبد المعطي أمين قلعجي، دار المعرفة - بيروت، الطبعة: الأولى.

30. **أسنى المطالب في شرح روض الطالب:** زكريا بن محمد بن زكريا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى السنيكي (المتوفى: 926هـ)، دار الكتاب الإسلامي، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ.

31. **مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج:** شمس الدين، محمد بن أحمد الخطيب الشربيني الشافعي (المتوفى: 977هـ)، دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، 1415هـ - 1994م.

32. **اللباب في شرح الكتاب:** عبد الغني بن طالب بن حمادة بن إبراهيم الغنيمي الدمشقي الميداني الحنفي (المتوفى: 1298هـ)، المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد، المكتبة العلمية، بيروت - لبنان.

33. **القاموس المحيط:** مجد الدين أبو طاهر محمد بن يعقوب الفيروزآبادي (المتوفى: 817هـ)، المحقق: محمد نعيم العرقسوسي، بيروت - لبنان، الطبعة: الثامنة، 1426هـ - 2005م.

34. **مقاييس اللغة:** أبو المحسن أحمد بن فارس بن زكريا.

35. **كشاف القناع عن متن الإقناع:** منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس البهوتي الحنبلي (المتوفى: 1051هـ)، دار الكتب العلمية.

36. **نور الإيضاح ونجاة الأرواح في الفقه الحنفي:** المؤلف: حسن بن عمار بن علي الشرنبلالي المصري الحنفي (المتوفى: 1069هـ)، المحقق: محمد أنيس مهرات، الناشر: المكتبة العصرية، الطبعة: 1246هـ - 2005م، عدد الأجزاء: 1.

37. **بلغة السالك لأقرب المسالك المعروف بحاشية الصاوي على الشرح الصغير (الشرح الصغير هو شرح الشيخ الدردير لكتابه المسمى أقرب المسالك لمذهب الإمام المالک):** أبو العباس أحمد بن محمد الخلوئي، الشهير بالصاوي المالكي (المتوفى: 1241هـ)، دار المعارف، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ.

38. **تمام المنة في فقه الكتاب وصحيح السنة:** أبو عبد الرحمن عادل بن يوسف العزاوي، دار سبل السلام الفيوم - دار بن حزم القاهرة، الطبعة: الأولى، 1432هـ - 2011م.

39. **تمام المنة في التعليق على فقه السنة:** أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: 1420هـ)، دار الراية، الخامسة.

40. **الموسوعة الفقهية:** مجموعة من الباحثين بإشراف الشيخ علوي بن عبد القادر السقاف، موقع الدرر السنية، تم تحميله في/ ربيع الأول 1433هـ.
41. **صحيح فقه السنة وأدلته وتوضيح مذاهب الأئمة:** أبو مالك بن السيد سالم، المكتبة التوفيقية.
42. **فقه السنة:** السيد سابق (المتوفى: 1420هـ)، دار الكتاب العربي، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1397هـ - 1977م، ج1، ص112.
43. **موسوعة الفقه الإسلامي:** محمد بن إبراهيم بن عبد الله التويجري، بيت الأفكار الدولية، الطبعة: الأولى، 1430هـ - 2009م.
44. **الوجيز في فقه السنة والكتاب العزيز:** عبد العظيم البدوي، الطبعة: الأولى 1421هـ.
45. **الشرح الممتع على زاد المستقنع:** محمد بن صالح بن محمد العثيمين (المتوفى: 1421هـ)، دار ابن الجوزي، الطبعة: الأولى، 1422 - 1428هـ.
46. **آل رسول الله وأولياؤه:** محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن عبد الله بن عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي الحنبلي المتوفى: (1421هـ)،
47. **أحكام الأذان والإقامة:** محمد ناصر الدن الألباني، الطبعة: الأولى، 1423هـ - 2002م.
48. **الفقه المنهجي على مذهب الإمام الشافعي:** مصطفى الخن وآخرون، دار القلم - دمشق، الطبعة: الرابعة العشر، 1434هـ - 2013م.
49. **موسوعة الفقه الإسلامي والقضايا المعاصرة:** وهبة الزحيلي، دار الفكر - دمشق - برامكة، الطبعة: الثالثة، 1433هـ - 2012م.
50. **الكتاب: المفيد في تقريب أحكام الأذان:** المؤلف: د. محمد بن عبد الرحمن بن ملهي بن محمد العريفي، تقديم: عبد الله بن عبد الرحمن الجبرين، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - المملكة العربية السعودية 1421، عدد الأجزاء: 1.

51. **تمام المنة في فقه الكتاب وصحيح السنة، كتاب العبادات:** المؤلف: أبو عبد الرحمن عادل بن يوسف العزازي، دار العقيدة، ج1، ص42.
52. **القول المبين في أخطاء المصلين:** المؤلف: أبو عبيدة مشهور بن حسن بن محمود آل سلمان، ص186.
53. **ملخص فقه العبادات:** المؤلف: مؤسسة الدرر السنوية، مؤسسة الدرر السنوية للنشر: المملكة السعودية العربية-الظهران، الطبعة: الثالثة، 1439هـ - 2018م، مجلد واحد.
54. **سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها:** للألباني، مكتبة المعارف.
55. **سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيء في الأمة:** للألباني، دار المعارف، ط1، 1992م.
56. **منهاج المسلم كتاب عقائد وآداب وأخلاق وعبادات ومعاملات:** أبو بكر جابر الجزائري، المكتبة العلوم والحكم- المدينة المنورة- دار الغد الجديد، الطبعة: الأولى، 2002.
57. **أحكام الأذان والنداء والإقامة:** للسامي فراج الحازمي، دار ابن الجوزي، ط1، 1420هـ.
58. **إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل:** للألباني، المكتب الإسلامي، ط2، 1985.
59. **فتاوى نور على الدرب:** المؤلف: عبد العزيز بن عبد الله بن باز(المتوفى: 1420هـ)، جمعها: الدكتور محمد بن سعد الشويعر، قدم لها: عبد العزيز بن عبد الله بن محمد آل الشيخ، عدد الأجزاء: 14.
60. **الثمر المستطاب في فقه السنة والكتاب:** للألباني، غراس للنشر والتوزيع، ط1.
61. **تخريج بعض الأحاديث ببرنامج (جوامع الكلم)** التي وضعه بعض من العلماء المعاصرين بمدة ثلاثين سنة، الذي يوجد فيه كل الأحاديث الصحيحة والضعيفة ويُخرج درجة الحديث فجزاهم الله خيرا الجزاء.

## فهرست

### موضوع

### صفحه

مقدمه شیخ طاهر برزنجی	
مقدمه شیخ مروان عزیز کوردی	
مقدمه ی شیخ نورالدین ملا عبدالله ورازی	
مقدمه مولف	
اجازه نامه اذان و اقامه مولف	
بخش اول: تعریف اذان و احکام آن	
موضوع اول: تعریف اذان در لغت و شرع	
موضوع دوم: جواز اذان گفتن در اسلام و جایگاه و ارزش آن	
موضوع سوم: حکم اذان برای جماعت و فرادا	
موضوع چهارم: حکم اذان و اقامه با ضبط صوت	
موضوع پنجم: شروط مؤذن	
موضوع ششم: حرف زدن در هنگام اذان گفتن	
بخش دوم: چگونگی اذان گفتن و مستحبات آن	
موضوع اول: چگونگی اذان گفتن و شیوه ی بیان آن	
موضوع دوم: مستحبات اذان	
موضوع سوم: معنای کلمات اذان	
موضوع چهارم: گفتن الصلاه خیر من النوم در اذان	
موضوع پنجم: اختلاف در گفتن حی علی خیر العمل در اذان	
موضوع ششم: کارهایی که بعد از اذان انجام دادنش مستحب است	

موضوع هفتم: صلوات فرستادن بر پیامبر بعد از اذان  
بخش سوم: چگونگی اقامه و احکام آن  
موضوع اول: تعریف اقامه در لغت و شرع  
موضوع دوم: حکم تکلیفی اقامه  
موضوع سوم: چگونگی اقامه و شیوه ی بیان آن  
موضوع چهارم: مستحبات اقامه  
بخش چهارم: زندگی نامه مودنان پیامبر و ویژگی مودنان و برخی  
از اشتباهات مودنان

موضوع اول: ویژگی مودنان  
موضوع دوم: زندگی نامه مودنان پیامبر  
موضوع سوم: برخی از اشتباهات مودنان  
بخش پنجم: حکم اذان و اقامه برای عیدین و همچنین برای جمع  
نماز و دریافت مزد برای اذان گفتن

موضوع اول: حکم اذان و اقامه برای عید رمضان و عید قربان  
موضوع دوم: اذان و اقامه برای جمع دو نماز  
موضوع سوم: دریافت مزد برای اذان گفتن  
موضوع چهارم: خروج از مسجد بعد از اذان  
موضوع پنجم: اذان اول برای نماز جمعه  
موضوع ششم: اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد هنگام تولدش

سخن پایانی

منابع

فهرست